

آری نگرانیم و نگونید...  
عربستان سعودی و فروش...  
گزارشی از روستای خرقان  
ادبیات و هنر



ملت فلسطین با سرخورداری از  
تجربیات، مقاومت و هوشیاری  
انقلابی سالها مبارزه خویش  
سرانجام متجاوزین صهیونیسم  
سرسپردگان غرب و حامی آنان  
امپریالیسم آمریکا را بزانو در  
خواهند آورد.  
بدر طالقانی  
بناسبت شهادت زهیر محسن

# تحقق ارزش های مکتبی قربانی کسب قدرت میشود

● امام، جوانان را می گوید چشم انتظار مسئولین، وزراء، استانداران  
نمانید، خودتان دست بکار شوید، خودتان انقلاب را پیش ببرید.

طبیعه انبوهی تازه ای در افق بیدار گشته است، هنوز بحران کردستان فروکش نکرده است که زمینه برای اغتشاشات جدید فراهم می گردد. ضدانقلاب دست به تحریکات وسیعی می زند و مسئولین امور در خواب خرگونی به بازی قدرت مشغول و راه خود می روند دشمنان و عوامل فرصت طلب دنبال بهانه می گردند تا توده ها را به خیابانها بکشند. اعتصابات سراسری راه بیندازند و با بی نظمی و آشوب و ترور و وحشت، انقلاب را به بن بست کشانند راه را برای ضدانقلاب و مپلترایسم هموار کنند، و دست اندر کاران و زعمای قوم، دانسته و ندانسته بی دربی بهانه ها سر می دهند. ضعف و بی برنامه گی دولت، توده ها را در برابر ضدانقلاب بی سلاح ساخته است، رادیو تلویزیون کمترین مسئولیتی در دادن آگاهی و هدایت خلق و خنثی کردن توطئه ها را احساس نمی کند و جرئت نیز اکثراً زیر تأثیر اغراض شخصی و گروهی در مجموع عملکردی بسود دشمن و ضدانقلاب دارند. در حالیکه عوامل فرصت طلب و ضدانقلاب، دانش آموزان را به تظاهرات و انبوهی خیابانی می کشانند، برخورد مسئولین آموزش و پرورش با مسایل آموزشی و خواستهای محصلین، فاقد ماهیت

# امام خمینی: کشورهای اسلامی باید از سازمانهای آزادی بخش سراسر جهان دفاع کنند

بپام امام خمینی بناسبت سالگرد انقلاب الجزائر،  
بسم الله الرحمن الرحيم  
در آغاز ۲۵ سال رهائی کشور عزیز الجزائر از  
تحت سلطه جاپرانه استعمار گران متمن نما، درود و  
تجلیات خود و ملت شریف ایران را نثار آنان نموده و  
بملت برادر خویش صمیمانه تبریک عرض می نمایم.  
ملت ما تلخی سلطه اجانب و مفت خواران نفت خوار  
مخصوصاً آمریکا را چشیده و غم شما برادران را  
احساس نموده است و به حسب اخوت ایمانی در غم و  
شادی ملت شریف الجزائر و سایر ملت های عزیز  
اسلامی شریکند.  
من امیدوارم که مسلمانان جهان در آستان قرن  
حاضر گرفتار بهای خود و منشأ آنرا بدرستی بررسی  
کنند و با اتحاد همه جانبه و اتکال به اسلام و در زیر  
پرچم سرافراخ آن از قید و بندهای استعمار گران  
بقیه در صفحه ۸

# شرکت های چند ملیتی و غارت اقتصادی کشورهای

● شرکت های چند ملیتی با عملکردی در مقیاس بین المللی، جهان را به  
دنیای سلطه گر و جهان زیر سلطه تقسیم نموده اند.

عکسگر و اسرار اقتصادی و اجتماعی  
سرمایه گذاری شرکت های چند ملیتی در کشورهای  
زیر سلطه امپریالیسم جهانی را باید در رابطه با سود  
و زیان این شرکت ها جستجو نمود. زیرا اساس  
سرمایه داری مستکی به ارزش اضافه و اصالت  
بخشیدن به سرمایه است. برخی از اقتصاددانان جهان  
سرمایه داری عملکرد این شرکت ها را بخاطر بالا  
بودن تکنیک و بازدهی هرچه بیشتر ستوده اند. و  
گروهی دیگر از آنان نیز، عملکرد شرکت های چند  
ملیتی را کمکی به کشورهای در «حال توسعه»  
دانستند و از همان دیدگاه امپریالیستی تحلیل  
نموده اند که چون در کشورهای عقب نگه داشته نده،  
نیروی کار و مواد اولیه بفراوانی و ارزان یافت  
می شود و آنچه که در این کشورها نیست، سرمایه و  
تکنولوژی و مدیریت و... می یابند. شرکت های چند  
ملیتی با قرار دادن این عوامل، در بیشتر آن

کشورها دخیل هستند. اینگونه تحلیل ها از  
اقتصاددانان جهان سرمایه داری ناشی از همان پیشینی  
است که امپریالیست ها برای به زیر سلطه کشیدن  
کشورهای دیگر بکار می گیرند. عملکرد شرکت های  
چند ملیتی با تسلط و به زیر سلطه کشیدن اقتصاد و  
سیاست جوامع دیگر و با قدرت روز افزون خود،  
سوجب محدود شدن قدرت حاکمیت ملی در  
کشورهای دیگر شده اند و با عملکردی در مقیاس  
بین المللی، جهان را به دنیای سلطه گر و جهان زیر  
سلطه تقسیم نموده اند.

## وظائف دولت های وابسته

دولت های دست نشانده امپریالیسم و ضد ملی  
برای گسترش عملکرد شرکت های چند ملیتی، سلسله  
وظائفی دارند که باید انجام دهند. تا این شرکت ها در  
غارت منافع مردم محروم و زحمتکش این کشورها،  
هرچه بیشتر موفق باشند. عمده ترین این وظایف که  
بهدولتها تحمیل می شود، می توان از تضمین حقوق  
مالکیت شرکت ها و ایجاد تراسیست لازم برای  
گسترش و حرکت و فروش کالا، جبران یسولی و  
به خدمت گرفتن افراد و همچنین استاندارد نمودن ارزش  
آن کشورها و کنترل سطح دستمزدها و در اختیار  
گذاختن زمین و تأمین هزینه های تحقیقاتی برای این  
شرکت ها و تأمین کردن انرژی و ارتباطات و... را  
نام برد. دولت های وابسته به امپریالیسم، برای اجرای  
هرچه بهتر این وظایف فشار و خفقان و ستم  
اقتصادی و اجتماعی را هرچه بیشتر بر مردم وارد  
می سازند. دولت های وابسته به این شرکت ها ملزم  
می شوند تا شرایط لازم را برای وجود آمدن تمرکز  
سرمایه آماده سازند و همچنین نظار قانونی آنرا در  
جهت منروعبیت دادن به اعمال این شرکت ها فراهم  
نمایند. تا استثمار مردم را، جلوه قانونی و مشروع  
دهند.

بقیه در صفحه ۳

# گزارشی از بندرانزلی (۲)

● بدون شک یکی از عوامل بوجود آورنده وقایع خونین انزلی، برخورد  
غیرمردمی مدیران شیلات و مسئولین وزارت کشاورزی می باشد.

## الف - بهره گیری ضد انقلاب از یک فرصت مناسب

بند انزلی از شهرهای توریستی شمال است.  
بعلت هجوم همه ساله مسافران و عدم رند صنایع  
تولیدی و همچنین کشاورزی، عمده نیروی کار در  
بخشهای خدماتی میباشد. یک کارخانه جنوب و  
کاغذسازی و یک کارخانه بلوک کزی و تعدادی  
کارگاههای کوچک حصیربافی و جوب ببری نیز در  
نزدیکی آن وجود دارند.  
درآمد نسبتاً بالای حاصله از کارهای فصلی،  
نظیر بسلازداری، دایس کردن رستورانها و  
مشروب فروشیها و... بخش عمده ای از نیروی کار را  
به این نوع کارها متمایل نموده است. عمده کارگران  
نهر در بندر و شرکت های حمل و نقل بکار مشغولند و  
بخش مهمی از جمعیت نهر را قترهای خرده با و  
روستائی تشکیل میدهند.  
رکود کارها در بنادر و تعطیل شدن کارهای  
ساختمانی (بناز و بفرونها) در دوران نهضت  
انقلابی و پس از بهمن ماه ۵۷ بخشی از این  
کارگران را نیز که محلی بودند به صیادی وا دانسته  
بود و بخش دیگر را به خیل بیکاران افزوده بود.

# پایه های سرمایه داری در اصول اقتصادی قانون اساسی تثبیت میشود

شرکت های چند ملیتی غرب - بویژه آمریکا - دست و پا  
میزد، و چون اسب عساری، حول محور خواسته برنامه  
برزان اقتصادی غرب میچرخد، اکنون باید بزرگترین  
توجه خود را به مسئله ورشکستگی اقتصادی و عقب  
ماندگیهای ناشی از آن معطوف دارد. خیرگان باید پیش  
از هر چیز، چند نکته حیاتی زیر را در دستور کار خود  
قرار دهد:  
الف: کشورهای امپریالیستی غرب در ازای غارت نفت  
و معادن ما، هیچگونه صنعت واقعی تاکنون بسا  
بقیه در صفحه ۳

# مباحث ایدئولوژیک ۱۸ کسب و تجارت صحیح کدام است؟

● اصل بخشیدن مازاد، مانع تجمع ثروت در دستهای افراد میشود

انواع مبادلات  
در اسلام چند نوع مبادله و معامله داریم که  
خارج از آنها ماهیت اسلامی ندارند.  
۱ - مبادله دو کالای هم ارزش یا یکدیگر: که  
قدیمی ترین شکل معامله و مبادله بین مردم بوده  
است. زارعی، مقداری از گندم را که شخصاً کشت  
و بعمل آورده است و مازاد بر خوراک سالیان  
اوست - برای تهیه کفش که بدان احتیاج دارد  
به کفایش می دهد و یا برای خرید قند و جای معادل  
ارزش مقدار قند و جای که احتیاج دارد، گندم و جو  
میدهد. در این نوع مبادلات هر تولیدکننده ای مازاد  
احتیاج از محصول خود را با کالاهای مورد نیاز  
مبادله میکند. در اشکال پیچیده تر هم که کالای  
واسطه و یا بول وارد می شود ماهیت مبادله تغییر  
نمی کند - در معاملات پولی زارع ابتدا گندم خود  
را تبدیل به مقدار پولی (یا کالای واسطه) یعنی  
وسیله مبادله و سنجش ارزش می کند. درست معادل  
ارزش گندم است و آنگاه با این پول کالاهای مورد  
احتیاج را از کفایش و لباس فروش و عطار خریداری  
می کند. پس در حقیقت هر کس محصول کار خود را  
با محصول کار دیگری مبادله میکند که در  
اینصورت باید ارزش دو کالای مورد معامله برابر  
باشد. اگر یکی ارزش بیشتری داشته باشد معامله  
باطل است زیرا یکطرف با دادن مثلاً ۱۰ واحد ارزش  
کار خود ۱۲ واحد ارزش کار دیگری را بدست  
آورده به عبارت دیگر ده تومان داده و ۱۲ تومان  
گرفته است و این نوع معامله در اسلام حرام است  
زیرا ماهیت ربوی - استثماری - دارد. پس هر کس  
حق دارد فقط به همان مقدار از ارزش کار منتظر  
خود که میدهد از ارزش کار دیگران دریافت کند -  
در احکام فقهی ماری مساوی بودن ارزش اجناس  
مورد معامله تأکید و دقت زیاد بعمل آمده است.  
۲ - در نوع دیگری از مبادلات، خریدار، کالایی را  
با پرداخت ارزش آن خریداری می کند - مثلاً  
پارچه ای می خرد - اما نه براساس آنکه شخصاً

بمصرف رساند - بلکه با آن پیراهن و یا کت و  
شلوار می دوزد و سپس پارچه دوخته را برای فروش  
عرضه می کند. در اینصورت موقع فروش، علاوه بر  
پولی که در ازای پارچه پرداخت کرده است مبلغی هم  
بابت ارزش کاری که شخصاً روی پارچه انجام داده  
و آنرا بصورت پیراهن یا کت و شلوار در آورده  
است به قیمت آن علاوه می کند.  
مبلغ اضافی را نباید سود سرمایه تلقی کرد.  
بلکه معادل ارزش کاری است که روی پارچه انجام  
داده است. به همین جهت در احادیث متعدد دیدیم که  
امام از معامله ای که در آن کالایی خریداری و بدون  
انجام کار تازه روی آن با قیمت بیشتری بفروش  
برسد نهی می فرماید. «از امام صادق در باره مرد  
خیاطی می پرسند که کاری را قبول می کند، پارچه  
را می برد و میدهد به کسی بدوزد - اضافه ای  
می ماند فرمود چون در آن کار کرده است اشکالی  
ندارد.»

و در موارد متعددی بشرطی اخذ مبلغی اضافه  
را اجازه می دهند که کاری مثبت انجام داده باشند.  
مشابه این حکم را درباره زرگری صادر می کنند که  
به اتفاق شاگردانش کار می کنند و شخصاً وظیفه  
ذوب کردن فلز را برعهده دارد. در اینصورت به او  
اجازه می دهند از فروش آن اضافه بر هزینه ها  
درآمدی هم نصیب خودش بشود. و غیر از این  
روش را نهی کرده اند. «از این حمزه نقل است که از  
امام باقر در باره مردی سؤال کرد که کاری را قبول  
بقیه در صفحه ۲

# نابود باد امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع



# تحقق ارزشهای

مدارس تظاهرات می کنند از محرومان هستند. بعکس این تظاهرات هم اکنون محدود به مدارس شمال شهر و قشرهای مرفه است. اما انتظارات توده هم در دوران انقلاب با دوره حاکمیت رژیم فرق دارد.

مردم انتظار دارند بعد از سقوط رژیم و پیروزی انقلاب، دولت جدید برنامه‌های انقلاب خود را در کلیه زمینه‌های اعلام و شرایط کاملاً تازان بپدید آورد، نما در زمینه آموزشی و سربازی این رکن اساسی و حساس جامعه چه کرده؟ کدام برنامه انقلابی ارائه داده؟ چه تغییراتی بوجود آورده؟ آری کارهایی کرده و کارهایی نگردید. بحث سیاسی را در مدارس محدود کردید. نوعی تقیض عقاید در انتخاب معلمان و بنظر تصفیه مؤسسات آموزشی آغاز کردید. میدان عمل و فعالیت را فقط برای یک حزب و گروه و یک طرز فکر و پیش با گذشتید و بقیه را بنسبت طرد و مسودت سهام و تصفیه قرار دادید. دست عناصری که سالها در زمان حکومت شاه جوانان را از مبارزه سیاسی منع می کردند و به راههای انحرافی مبارزه با بهائیت زیر حمایت و تشویق رژیم و ساواک دعوت می نمودند و رسالتی جز آن برای خود و جوانان نمی شناختند. در همجا و از جمله در مراکز آموزشی باز گذشتید و مسئولیت تصمیم گیری را به اندیشه‌های قتری و جزمی سپردید. از ملی کردن مدارس خودداری ندادید. نظام آموزشی تقریباً بدون تغییر باقی ماند و صرفاً به تغییرات سطحی در کتابها و حذف نامها اکتفا کردید. آیا نمی بایست طرح تازه‌ای برای نظام آموزشی تنظیم و بیاورد می کرده؟ آیا نمی بایست یک سلسله آموزشی‌های سیاسی و مکتبی بسوی سه افراد مترقی و متعهد مسلمان در کلیه مدارس آغاز می کردید؟ و رسالت معلم و محصل و رسالت تعلیم تربیت را در عصر انقلاب آزاد از وابسته بودن به گروهها و انحصار و اغراض خصوصی و حزبی، تشریح می کردید؟ آیا نمی بایست مدارس را زیر کنترل انقلاب می آوردید و دست بخش خصوصی را کوتاه می نمودید و با مشارکت محصلین از طریق شوراهای آنان را در بسنجید هدفهای انقلاب و برنامه‌های آموزشی سهم می کردید تا با علاقمندی از دستاوردهای خود در برابر تحریکات ضدانقلاب، دفاع کنید؟ تحت آن شرایط به آسانی و قاطعیت تمام می توانستید هر نوع وطنه و اخلاک‌گری در انقلاب را در نطفه خفه سازید. محصلین خود اینکار را می کردند.

\*\*\*

فردا نوبت کارخانه‌هاست. که ضدانقلاب آنها را به تعطیل بکشاند. نمی دانیم نآرامیها را در مناطق کارگری احساس می کنید و آتش را زیر خاکستر می بینید یا نه؟ از فردای پیروزی انقلاب ضرورت تغییرات بنیادی - ملی کردن صنایع و خلق پید از سرمایه‌داران - تشکیل شوراهای و جند اقدام ضروری و اساسی در بهبود وضع زحمتکشان طرح شد - مصراً خواستیم که طرهانی در این زمینه تصویب و توده‌های کارگر را در سرنوشت انقلاب در مبارزه با بحران اقتصادی و توسط نهادهای ضدانقلاب سهم و شریک سازید. بجای اینکار تا این اواخر دولت رسماً با تشکیل شوراهای مخالفت ورزید - و با این کار، کارگران را بدین و مأیوس و مبارزان مسلمان را تضعیف و سرخورده کردید. بجای خلق پید و سریع از سرمایه‌داران که عامل و سبب بحران و بیکاری و ورنگستگی اقتصادی و استثمار کارگرانند از آنها مستقیم و غیرمستقیم در خفا و آشکارا دفاع کردید و هنوز هم آنها را در بنای خود می گیرید. شوراهای از محتوا خالی نمودید و بصورت آلت دست و ابزار کار مدیر و کارفرما در آورید. این از دولت. آقایان هم در مجلس خبرگان بعد از مدت‌ها انتظار سرانجام مساهبت خود را در اصولی که بنام نظام اقتصادی اسلام تصویب کردند. نشان داده، آب سردی بر سر و تن گرم و برانتظار توده‌های محروم و مستضعف ریختند. همان روزهای اولی که اصطلاح جامعه توحیدی را حذف کردند معلوم بود و در زمینه اقتصاد و سرمایه و کار، عملکردی بهتر از این نخواستند. بعد از آن چند ضربیه، ضربیه تازه بر بکر مکتب و برانقلاب و اسلام سخت مهلک است. برداشت مجلس خبرگان از نظام اقتصادی اسلام یک فاجعه است. آقایان حتی حاضر نشدند پیشنهاد یکی از روحانیون را که تقاضا کرد اعلام شود اسلام بر نظام فئودالی و سرمایه‌داری خط بطلان می کشد، تصویب کنند. خدا

رهبر خود را بعد بگیری، به خود مستکی بسانید. امیدی به آقایان زعما نداشته بسانید آنها اکنون مشغولیات ذهنی مهمتری از انقلاب و ضدانقلاب و از مکتب و مستضعفان دارند. آنها از امام و امت و مستضعفان در چارچوب هدفها و مقاصد خود صحبت می کنند. بگذار آنچه در ذهن و قلب خود دارند به ما نسبت دهند ما را نیفتنه سفاک و جاه و وجاهت و ریاست جمهوری بخوانند - این اتهامات - مشکل آنها را و شکل انقلاب و توده‌ها را حل نمی کنند. انگیزه افراد را از عمل آنها می توان شناخت باید به‌سی سال گذشته نگاه کرد و دید چه کسانی در همه شرایط و بدون وقفه و بدون اعوجاج و سستی و سازه و سکوت خستگی ناپذیر و بی‌پاسی و تردید در سر مستقیم و بسوی یک هدف و یک کلام بر

**● غالب شما بدون چون و چرا مدافع سرمایه‌داری هستید، مدافع مالکیت‌های خصوصی نامشروع هستید**  
**● ریاست جمهوری ارزانی شما باد که بزرگترین آرزو و عشق زندگی واقف دید و غایت و کمال مطلوب و ایده‌آلتان است.**

و رأی موافق دادند - شما در برابر خلق زحمتکش و مردم انقلابی و در برابر خون صدهزار شهید و در برابر تاریخ چگونه از خود دفاع می کنید؟ آیا در اصل که در نظام اسلامی هر کس تنها می تواند مالک محصول کار خود باشد تردید دارید؟ (هجواریت را بر خ نکتید که داریم از اساس و مبنا صحبت می کنیم) آیا در اینکه زمین و منابع طبیعی در ملکیت خصوصی در نمی آید تردید دارید؟ آیا در اینکه زرع از آن زارع است و لاغیر تردید دارید؟ آیا در اینکه سرمایه و ابزار کار در سود و محصول سهم نیست تردید دارید؟ آیا در اینکه یکسانی در آمد از راه باطل حرام است تردید دارید؟ آیا در اینکه اندوختن مال حلال بیش از احتیاج مشمول کت و حرام است، تردید دارید؟ آیا هم چنانکه خدا مالکی مسأله‌ای تکوینی است آیات کت هم دستورات صرفاً اخلاقی اند؟ چه فرقی بین آیات مربوط به زنا، ربا و کت و اندوختن مال وجود دارد؟ از لحاظ نیت و قاطعیت و وعده عذاب و جهنم آیا در یک ردیف نیستند؟ حال با این تصمیمات شما و آن موضع گیریهای دولت نمی خواهید کارگران از شما و از انقلاب مأیوس گردند و کارخانجات ما میدان تبلیغات ضدانقلاب و فرصت طلبی نبوده؟ وقتی ما را که از اسلام انقلابی و از حقوق مسلم زحمتکشان دفاع می کنیم و اصول مکتب را به کارگران گوشزد و تعلیم می دهیم در معرض هزاران اتهام و فشار قرار می دهید و به کارخانه‌ها راه نمی دهید، می خواهید کارگران پناهگاههای دیگری جستجو نکنند؟ صریح باینم غالب شما بدون چون و چرا مدافع سرمایه‌داری هستید، مدافع مالکیت‌های خصوصی نامشروع هستید و نمی توانید منافع زحمتکشان را با تکیه و اسلام قرآن و پیامبر و علی تأمین کنید، شما با این سیاست، دیر یا زود در برابر زحمتکشان قرار می گیرید و بجای حل اصولی تضاد سرمایه و کار و نفی استثمار و استضعاف و آزاد کردن آنها از اسارت مناسبات ظالمانه و استثمار، رودر روی آنها قرار گرفته، در برابر خواستها و اعتراضاتشان ساجار به تنبیه‌های سرکوب متوسل خواهید شد؟

برای مقابله با ضدانقلاب برای حفظ دستاوردهای انقلاب و خوانبهای شهیدان راهی جز تکیه بر توده‌ها و تسریع در حرکت انقلابی و سرکوبی دشمنان و مزدوران سرمایه‌دار و استثمارگر وجود ندارد. امروز را نگاه نکتید که میلیونها توده ایرانی روی اعتمادی که به امام دارند شما را تأیید می کنند و یا در برابر تصمیمات شما سکوت می کنند، آنها امام را می بینند که از حقوق مستضعفان سخن می گوید، فریاد اعتراض علیه امبرالیسم امریکا بلند می کند، به نیروی خلق اعتماد دارد در برابر مسئولین جنت سکان و در اندیشه فرصت و قدرت و موقعیت فردی و حزبی و به خلق مستضعف بها می دهد، آنها را مخاطب می سازد و جوانان را می گوید چشم انتظار مسئولین، وزرا، استانداران نمایند خودتان دست بکار شوید، خودتان، انقلاب را پیش ببرید، دست امریکا و غرب استثمارگر را از مملکت کوتاه کنید، دست زدن و مزدوران رژیم گذشته و جانیان و مسفدین و ضدانقلاب را از همجا کوتاه کنید ما هم با اسام همدما می شویم و به میلیونها توده زحمتکش و انقلابی و به صدها هزار و میلیونها جوان پاک و صادق و متعهد در سراسر کشور آنها که صادقانه در راه حفظ انقلاب و تحقق هدفهای آن می کوشند می گوئیم: خواهان، برادران این توصیه اسام و

همراه با آن به آگاهی و ایمان مکتبی و آزاد بودن از هر انگیزه شخصی نیاز داریم، اطراف خود را در سراسر کشور نگاه کنید، کردستان را که ضدانقلاب و ندانم کاری و سوءنیت یا غفلت مسئولین چه فاجعه خطرناکی بوجود آورد، خوزستان را که بجای برادری آتش کینه‌ها را برمی افزودند و برادران عرب را چون گذشته در برابر و برادر قاسم و مسود بی‌اعتنایی قرار میدهند و بارونهای غیرانقلابی و مکتبی و صرفاً در تعقیب مقاصد و هدفهای شخصی بجای تکیه بر توده ایرانی فارس، عرب، به‌نیوخ و گردن کلفتها و بجای کارگران به کارفرمایان تکیه می‌نمود و نسآارامی و اعتصاب در میان توده و زحمتکش و ترور و خرابکاری در میان برادران عرب زمینه رشد پیدا کند.

و کردستان و فارس و خوزستان و بلوچستان که ترکمن صحرا و مازندران را که فئودالها و خوانین و نیوخ و مرتجعین موقعیت متزلزل خود را در سایه سیاست‌های شما و دولت محکم می کنند و بر جان و مال و سرنوشت مردم مجدداً مسلط می گردند و شوراهای انضال خواهند کرد، در آینده یا باید مملکت را به آنها بسپارید یا بسا نیروی نظامی پنجگنان بروید - که در هر دو صورت انقلاب زیان خواهد برد.

برادران و خواهان، شما که به انقلاب اسلامی و بهره‌بری آن وفادار هستید شما که دشمن ظلم و ستم و استعمار و استبداد و استثمار، شما که خواهان ایرانی آزاد و مستقل و اسلامی هستید، بسایند و بیش از آنکه نظام کشور و قوانین و مقررات و نهادها و مؤسسات آن بر دوش قدرتهای بول و زور پسینین و مناسبات استعماری و وابستگی‌های استعماری قرار گیرد و بیش از آنکه توده آزادنده و انقلابی مجدداً در بسندهای اسارت تازه‌ای از حاکمیت استبداد و استثمار و استثمار نسوین اسیر گردد، بیش از آنکه امام این رهبر انقلابی و با تقوا، این‌سار مستضعفان و فریاد توده‌ها و دشمن استثمارگران، صدایش خاموش شود و توده‌ها بنای خود را از دست بدهند و شما در برابر ضدانقلاب و امبرالیسم بی‌رهبر و یاور بسایند، از قدرت و نیروی خلق بجای بهره‌برداری در جهت مقاصد شخصی و حزبی، برای از بین بردن دشمن در تمام جهره‌ها، دشمن سرمایه‌دار، فئودال مستبد، وابسته به استعمار، مرتجع و فرصت‌طلب و مزدور استفاده کنید. برای تصفیه ارتش، سازمانها و مؤسسات از ضدانقلاب بکار برید. برای ایجاد نهادهای انقلابی و مکتبی و برای برقراری عدالت و آزادی، و حاکمیت دانه به توده‌ها بیش از آنکه خیلی دیر شود، که برستی فردا خیلی دیر است.

والسلام

## بقیه از صفحه ۱ کسب و تجارت صحیح

روایت متعددی آوردن جنس و کالا از فاصله نزدیک و فروختن به قیمت بیشتر نهی شده است. پیامبر تجار شهری را بشدت نهی کرد که برای خرید اجناس و محصولات زار عین به‌دروازه‌های شهر و به استقبال آنها به‌خارج شهر بشتایند و محصولات را خریداری کرده در شهر با قیمت بیشتری به‌مردم بفروشند. فرموده و اسطه فروش محصول زار عین نشوید و این معامله را که بیع‌الحاضر لباد گویند محکوم فرمود. "و در تفسیر حکم پیامبر گفتند: «اهل شهر اجناس دهانتی را نفروشدند وقتی روستایی محصول را به‌شهر حمل

می کند ولی شخصاً انجام نمی‌دهد و به‌دیگری واگذار می کند و سود می‌بردامام فرمود نه دست نیست". پس در این‌سوس مبادله که شما کالایی را می‌خرید و پس از تغییراتی و کجایی روی آن می‌فروشید در حقیقت بولی که در بیعت می‌کنید برابر است با ارزش اولیه کالا + ارزش کاری که روی آن انجام داده‌اید یعنی بسازم شما سودی نبرده‌اید - ارزش کار خود را گرفته‌اید و گفتیم که سود در اقتصاد اسلامی معنا ندارد. سود در اقتصاد سرمایه‌داری مفهوم دارد که به‌سرمایه تعلق می‌گیرد.

۳ - در توع سوم کالایی را که در شهر شما نیست و مورد احتیاج مردم است بسارفتو آمد به‌محلی که آن کالا را تولید می‌کنند - خریداری و به‌شهر خود می‌آورید و در اختیار مردم می‌گذارید - در انجام این کار شما مستحیل زحمت و رنج شده، از بسیاری خطر را استقبال کرده‌اید. بنابراین حق دارید مبلغی به‌همان اندازه که معیشت شما را تأمین کند به‌قیمت خرید کالا بیافزایید. این را تجارت گویند. پس برای آنکه به‌معامله‌ای بشود نام تجارت داد باید شخص حتماً از محل خود دور شده، مسافت کرده باشد. حتی تاکید زیاد شده است که اگر فاصله بین محل عرضه کالا و محلی که باید به‌آن وارد شود کم باشد تجارت محسوب نمی‌شود و در احادیث از پیامبر و ائمه، حدیثی یک روز راه در شرایط آنروزی را که تقریباً معادل چهار فرسخ می‌شده است برای تحقق تجارت لازم شمرده‌اند. «امام صادق فرمود از فاصله کم جنس را نیاورید، زیرا رسول خدا اینکار را نهی فرموده است، پرسیدند فاصله کم در چه حده است، گفتند حدود چهار فرسخ».

این تفاوت شرایط و واقعی است انگیزه‌های، احکام اسلام دارای دو جنبه است یکی اصل مبتنی و دیگری قالب اجرائی - فعلاً حکم بالا در مورد منع واسطه شدن بین روستائیان و مردم شهر یک محتوا دارد و آن اینستکه کسی بدون انجام کار یا خدمت منحص حق دریافت چیزی ندارد. یا باید روی جنس کاری انجام دهد و یا با تسحیل زحمت مسافرت خدمتی انجام داده باشد در اینصورت بهره‌های عادلانه سهم شماس اما قالب آن در شرایط آنروز که زار عین در حومه و با فاصله نزدیکی تا مدینه قرار داشتند و شهر کوچک و جمعیت اندک بود و یکی دو بازار بیش نداشت - زار عین پس از ورود به‌شهر می‌توانستند اندک محصول خود را بلافاصله و مستقیماً به‌خریداران بفروشند و همانروز مایحتاج خود را تهیه و به‌د باز گردند. در دست نظیر آنچه هم‌اکنون در بازارها و شهرهای شمال شاهد آن هستیم. از این بازارها که در شهری در یک روز خاص هفته داتر میشود و بنام همانروز شنبه بازار - بکننده‌بازار - و جمعه‌بازار خوانده می‌شود. روستائیان، محصولات کشاورزی و صنایع دستی خود را شخصاً به‌شهر می‌آورند و به‌مشتریان شهری می‌فروشند - واسطه‌ای در کار نیست - قیمت اجناس عیباً به‌تولیکنده پرداخت میشود.

ممکن است داتر کردن این‌سوس بازارها در شهرهای بزرگی مانند تهران میسر نباشد. بخصوص که عمده اجناس از نقاط دور حمل میشود - در اینصورت بر طبق محتوای حکم کسانیکه زحمت رفتن به‌روستاها و شهرهای مبدأ و حمل جنس را به‌تهران منتقل می‌نوند تاجر محسوب شده حق دارند مبلغی بر قیمت خرید علاوه کنند اما کسانیکه در حیره خود در تهران نشسته عملاً کاری انجام نمی‌دهند - مسافرت نمی‌کنند و زحمت را دیگران متحمل می‌گردند حقی ندارند.

اگر بخواهیم بر مبنای اصل پایه احکام بالا قالبی مناسب شرایط امروز بساییم برای شهرهای بزرگ کار حمل کالا و توزیع آنرا در شهر، دولت برعهده بگیرد و اجناس و محصولات تولید کننده‌ها را در اذای پرداخت قیمت واقعی آن خریداری و در اختیار مصرف کنندگان بگذارد بی‌آنکه بر قیمت آنها بیفزاید و هزینه اینکار را از بیت‌المال بردارد. (مستون در مورد مواد و کالاهای غیر اساسی، هزینه‌های مربوط به‌حمل و نقل را بر قیمت آنها افزود). راه دیگر آنستکه سازمانی تعاری از تولید کنندگان تشکیل شود و خود رسماً محصولات را در شهر توزیع کنند و اجناس را به‌قیمت تمام سده ارزش اولیه محصول - هزینه‌های حمل و توزیع، در اختیار مصرف کنندگان بگذارند.

در هر صورت واسطه‌ها که بدون انجام عمل و کار و زحمت در آمد کلانی بسبب می‌زنند از بین می‌رود - قیمت‌ها تعدیل و استثمار مصرف کننده و حتی تولید کننده، توسط واسطه‌ها از بین می‌رود.

### بازار در جامعه توحیدی

در جامعه ایده‌آل توحیدی حنانکه مقصود پیامبر بود و باید گام به‌گام بسوی آن نزدیک شویم، خرید و فروش معنای امروزی خود را از دست میدهد. در این جامعه که قطعاً فراهم آمدن شرایط عینی و ذهنی‌اش، سالها بطول می‌انجامد، همه کسانی که به‌تولید و انجام خدمتی اشتغال دارند، محصول کار و در آمد خود را به‌دو قسمت می‌نمایند. قسمتی که مستاسب نیازهای شخصی و خانوادگی‌شان است

- در جامعه توحیدی خرید و فروش برای کسب سود رواج نخواهد داشت
- اصل بخشیدن مازاد مانع کت، جمع کردن، نگاهداری ثروت، اسراف، پرهیز از مصرف، اضافه بر احتیاج و مانع تبذیر و تلف کردن ثروت است.

بر میدارند و مازاد آنرا در اختیار کسانی قرار میدهند که به‌آن محصول و کالا احتیاج دارند. دستور بخشیدن مازاد را بیشتر دیدیم. در یکی از آیات قرآن تکلیف کسانی را که با کار خود و در سایه لطف بروردگار، محصول و در آمدی اضافه بر احتیاج بدست می‌آورند روشن کرده است. یکی از معانی فضل زیادت است چنانکه در قاموس قرآن می‌خوانیم که «خذالفضل» یعنی زیادت را بگیر و مستظور اضافه بر احتیاج و مصرف است. در زندگی اجتماعی بعضی افراد در نتیجه تلاش و کار بیشتر محصول زیادتری بر احتیاج خود تولید می‌کنند. این زیادت که نتیجه کار و استعداد فرد است مانند

چگونگی فروش اجناس

بقیه در صفحه ۱

# دروود بر امام خمینی رهبر انقلابی توده‌های مستضعف ما



# پایه‌های سرمایه‌داری

نداده و خواهد داد. از ایترو تنها با بی‌برتری یک صنعت درون‌زا و واقعی (سه‌مونتاز) و احیای کشاورزی، می‌توانیم پاینده امیدوار باشیم.

ب: اقتصاد تک پایه ایران که از نوع شبه سرمایه‌داری وابسته به نفت است. دو سؤال اساسی را پیش روی مجلس خبرگان فرستاده می‌دهد: ۱- آیا اقتصاد سرمایه‌داری و پدر از آن شبه سرمایه‌داری، که ما را بدام امپریالیسم انداخته، می‌تواند سه خروج مسا از گردونه امپریالیسم کمک کند... ۲- زمانی که اقتصاد ایران تنها پایه خود-تفت است، را از دست دهد، با بیابان پر هویتی نام ایران چه باید کرد؟

ج: مجلس خبرگان، در برابر آرمانهای انقلاب و معیارهایی که در ذهن نوده‌های انقلابی و عاصی بوضع موجود، نهفته، شدیداً مسئولیت دارد. آن شعارها، آرمانها و وعده‌های دوران انقلاب چه می‌شود؟ آیا مجلس خبرگان می‌تواند که اگر اصول قانون اساسی به پاسخگویی خواسته‌های توده که انعکاس ذهنیات و روحیات عصبی استندگاران باشد، در آینده جامعه ما با بحران سیاسی - اجتماعی روبرو خواهد بود؟

## ● مجلس خبرگان بعبوض راه‌گشائی بسوی اقتصاد مبتنی بر «قسط» به الگوهای اقتصادی غرب نظیر اقتصاد دو بخشی انگلستان و یا الگوی سه بخشی پیشنهادی حزب توده روی می‌آورد

## ● چرا باید اینطور بی‌مهابا یک اقتصاد ضداسلامی را در مجلس خبرگان با اسم اقتصاد اسلامی جا بزنند.

## ● اصول قرآن صرفاً جنبه اخلاقی دارد؛ پس چرا در زمینه رباخواری، اسراف و تبذیر قانون وضع می‌کنید؟

در مرحله بعد، در روز نهم این اصل اصلاح و تصویب می‌شود. براساس این اصل کلیه صنایع بزرگ و مادر در بخش دولتی و آن رشته از کشاورزی، دامداری، تجارت، صنایع و خدمات - هرگز که مکمل فعالیتها اقتصادی دولتی و تعاونی است، در بخش خصوصی قرار می‌گیرد.

در رابطه با این بند باید گفت که اولاً جمله «آن از لحاظ رساندن مفاهیم اقتصادی ضعیف است و ثانیاً، بند سه این اصل با اصل ۱۲۷ که بهره‌کشی از کارگران را منع کرده، مغایرت دارد بدین شرح: در عصر حاضر که تکنولوژی در اوج بشریت خود هست و تولید جمعی، محصول اسبوه و سود کلان را میسر ساخته، مالکیت خصوصی بر وسائل تولید صنعتی، لاجرم منجر به «استثمار»، «کثر» که در قرآن منع شده، خواهد شد و جامعه را بجهت خلاف هدف پیامبران (برقراری قسط) خواهد راند. از آنجائیکه برای دستیابی بر بند اقتصادی و رسیدن به خود کفائی، جامعه مجبور است دست سرمایه‌گذارای بخش خصوصی را باز گذارد، تمرکز سرمایه در دست گروهی محدود، اجتناب ناپذیر خواهد بود، از ایترو قانون اساسی باید نظامی اقتصادی و مدلی را برای رشد اقتصادی ارائه دهد که بطور خودکار این نظام جلوی کثرت و تزویر انموژی را بگیرد، و اگر نه بعد از اینکه جرح اقتصادی مملکت برآه افتاد و مسالکیت خصوصی بر وسائل تولید صنعتی و بهره‌سالکان زمین پذیرفته شد. هیچ عاملی نمیتواند جلوی «کثر» را بگیرد، زیرا در حالیکه خود نظام، تمرکز ثروت را ایجاد می‌کند، دستکاری این نظام توسط سیاستهای پولی و مالی و گذاردن قانون در مجلس شورای ملی آینده، امکان تبذیر نیست و در صورت دستکاری، این عمل بمنزله مبارزه با معلول خواهد بود نه علت که خود نظام است. این گونه روشها، شبیه برخورد فعلی فضاوت سرخ با سرمایه‌داری است، زیرا آنها فکر میکنند با خلق بد و نیکد چند سرمایه‌دار، می‌توانند با سرمایه‌داری و استثمار مبارزه کنند. اسلام با سرمایه‌داری مخالف است نه فقط با سرمایه‌دار. جای بسی تأسف است که حتی اصول پیشنهادی آقای محمد جواد حتی کرمائی که در آن، سرمایه‌داری و فئودالیسم در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی محکوم شده، مورد توجه مجلس خبرگان قرار نمی‌گیرد، و حتی از طرف کسانی که در مجلس ادعای اطلاع بر مسائل اقتصادی دارند، شدیداً مورد حمله واقع می‌شود.

جای تعجب است که در رابطه با اصل ۱۲۷/۴، آقای مکارم شیرازی می‌گوید:

«فلسفه وجودی این اصل روشن است و آن وجود آوردن اقتصاد اسلامی است. و این سه بخش براین اساس تنظیم شده است. ما می‌خواهیم اقتصادی بوجود آوریم که نه کاپیتالیستی غربی باشد و نه سوسیالیستی شرقی و این همان اقتصاد اسلامی است...»

عجب کشف بزرگی...! باید با آقای مکارم گفت، این اقتصاد سه بخشی بیش از آنکه شما مطرح کنید، اقتصاد دانان سرمایه‌داری غرب قبلاً مطرح کرده بودند و در بعضی کشورهای سرمایه‌داری با اجرا درمی‌آید. اصلاً چرا راه دوری برویم، این اقتصاد سه بخشی را پیش از آنکه شما بعنوان اقتصاد اسلامی؛ در مجلس خبرگان کشف کنید، حزب توده، بنامت اینکه انقلاب ایران را یک انقلاب بورژوازی می‌داند، ضمن طرح پیشنهادی خود

برای قانون اساسی، مطرح کرده بود چرا باید اینطور بی‌مهابا یک اقتصاد ضد اسلامی را در مجلس خبرگان با اسم اقتصاد اسلامی جا بزنند. آیا اینگونه برداشتهای نوعی برداشت تقاطعی از اصول اسلام و آمیختن آن با مفاهیم سرمایه‌داری نیست؟

ب: اصل دیگری که تصویب رسیده اینطور می‌گوید: «منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعراض سرمایه‌گذاری، تسویدی، تسویر و مصرف» مجلس خبرگان، سعوض مشخص کردن چارچوب کلی اقتصاد قسط امیز اسلامی به فرعیاتی می‌راند که وجه مشخصه اصلی اقتصاد اسلامی محسوب نمی‌شود. در حالیکه و سیرگی همه اسلام، برقراری قسط و محور هرگونه استثمار انسان از انسان است. مجلس خبرگان تنها به مسائلی چون مع اسراف و تبذیر که از سببهاست تبذیر شده در تمام جوامع سرپس، می‌راند. حتی اقتصاد و سرمایه‌داری غرب،

هرگز اسراف و تبذیر را در تئوری پذیرفته است. در حال حاضر یکی از موضوعاتی که در دانشگاههای غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسئله جلوگیری از هز رفتن منابع تولید می‌باشد، ولی اشکال اساسی اینجاست که اقتصاد سرمایه‌داری بخاطر ذات استثماری آن و بدرفتن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، اصولاً مشخص اسرافکاری و تبذیر است. شما در حالیکه مالکیت خصوصی وسائل تولید و نتیجتاً «کثر» و «تمرکز ثروت» را می‌پذیرند، دیگر امکان تبذیر نیست که با توصیه‌های اخلاقی از تروتمندان بخواهید که از اسراف و تبذیر بپرهیز کنند. در حقیقت برای از بین بردن اسراف، تبذیر، کثرت و استثمار و برقراری قسط باید نظامی را بنا نهاد که در آن اسراف، تبذیر و کثرت امکان پذیر نباشد و اصولاً اسلام در قالب نظام قابل فهم و عرضه است اگر همانطور که در مجلس خبرگان هم عنوان شده، اصول قرآن صرفاً جنبه اخلاقی دارد، پس

هرگز اسراف و تبذیر را در تئوری پذیرفته است. در حال حاضر یکی از موضوعاتی که در دانشگاههای غرب مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسئله جلوگیری از هز رفتن منابع تولید می‌باشد، ولی اشکال اساسی اینجاست که اقتصاد سرمایه‌داری بخاطر ذات استثماری آن و بدرفتن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، اصولاً مشخص اسرافکاری و تبذیر است. شما در حالیکه مالکیت خصوصی وسائل تولید و نتیجتاً «کثر» و «تمرکز ثروت» را می‌پذیرند، دیگر امکان تبذیر نیست که با توصیه‌های اخلاقی از تروتمندان بخواهید که از اسراف و تبذیر بپرهیز کنند. در حقیقت برای از بین بردن اسراف، تبذیر، کثرت و استثمار و برقراری قسط باید نظامی را بنا نهاد که در آن اسراف، تبذیر و کثرت امکان پذیر نباشد و اصولاً اسلام در قالب نظام قابل فهم و عرضه است اگر همانطور که در مجلس خبرگان هم عنوان شده، اصول قرآن صرفاً جنبه اخلاقی دارد، پس

زیر نویس: ۱- رجوع شود به جزوه حاوی طرح پیشنهادی حزب توده جهت قانون اساسی و نیز مجله دنیا شماره ۱ (مقاله بحران اقتصادی و اجتماعی)

۲- انقلاب اسلامی - چهارشنبه ۹ آبان

۳- انقلاب اسلامی - شنبه ۱۲ آبان

۴- انقلاب اسلامی - سه‌شنبه ۸ آبان

بقیه از صفحه ۱

# شرکتهای چندملیتی

## ● شرکتهای چندملیتی برای رشد بهتر و بیشتر خود به بازار مصرف و به نیروی کار آزاد شده نیاز دارند.

شرکتهای چند ملیتی با سرمایه‌گذاری خود در کشورهای زیر سلطه، نه تنها تکنولوژی را در این کشورها رشد نمی‌دهند، بلکه با ایجاد «صنعت وابسته» مانند صنایع موتاتز، تنها گسترش تکنیکها را در رابطه با سود و زیان خود و هرچه بیشتر وابسته نمودن این کشورها بخود می‌بینند و این تکنیکهای مورد استفاده معمولاً سرمایه‌بر بوده و فقط مقدار کمی از نیروی کارگر را در این کشورها به اشتغال می‌گمارد و درآمد حاصل از فعالیت این نوع شرکتهای، نصیب طبقه خاصی از اجتماع و بیشتر به‌خود شرکتهائی که وابستگی به‌خارج از کشور را دارند، می‌گردد. کالاهای تولید شده بوسیله این شرکتهای نیز بیشتر جنبه تجملی و در رابطه با خدمات اسراف‌منشانه است که تنها برای مصرف طبقاتی با درآمد بالا تهیه می‌شود و عملاً توسعه اقتصادی کشورها را فلج می‌نماید و هر روز شکاف طبقاتی را در این جوامع بیشتر می‌سازند.

## وابستگی به تکنولوژی

صنایع مورد استفاده این شرکتهای علاوه بر تأثیر منفی بر اشتغال کشور و اردکننده این صنایع، موجب وابستگی تکنولوژیکی نیز می‌شود. این کشورها به تکنیک خارجی وابسته‌اند و مسخران گزافی را نیز برای تهیه آن می‌پردازند و در رابطه با این هزینه‌ها، هزینه‌هایی از قبیل حق امتیازها، بروانه‌ها، علائم تجاری و... نیز هر روز افزایش می‌یابد، بطوریکه به تدریج قسمت عمده از درآمد کشورهای زیر سلطه را جذب می‌نماید، و این خود یکی از مهم‌ترین مشکلات رابطه کشورهای بیسرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه است. تسکین می‌دهد، بعبارت دیگر تکنولوژی در رابطه بین کشورهای صادر و کشورهای وابسته همچون واسطه‌ای که موجب توسعه وابستگی بیشتر کشورهای وابسته است، عمل می‌کند و این امر پایه‌های جدید انحصار استعماری شرکتهای مادر را بر وابسته‌های خود بریزی می‌کند. در شرایط کنونی جهان، کشورهای در حال توسعه، حتی می‌توانند صنایع سنگین نیز در کشور خود دایسر کنند، چنین صنایع سنگینی مانند ذوب آهن و غیره در بنجاه سال قبل می‌توانست یک کشور را از قید وابستگی برهاند، و حتی خود او را بصورت نوعی

## نابودی کشاورزی

شرکتهای چند ملیتی در مورد مسائل مربوط به کشاورزی کشورهای زیر سلطه‌شان علاقه چندانی ندارند و اگر هم در بعضی جهات توجهی به کشاورزی شود سرمایه‌گذاری در آن در رابطه با محصولاتی خواهد بود که هیچگونه مصرفی در آن کشورها ندارد. نمونه‌ای از این سرمایه‌گذاری را در رابطه با شرکت آمریکائی دیده‌ایم که در زیر سد در خوزستان کشاورزی مارچوبه را به‌عراه انداخت و مستقیماً تمام محصولات از طریق خود شرکت به‌خارج صادر می‌شد، و تنها نمره آن برای ما

امپریالیسم در آورد، ولی در زمان ما، صنایع سنگین به تنهایی نمی‌توانند با تسلط انحصاری کشورهای امپریالیستی مقابله کنند، چون این سلطه دیگر تنها بر صنایع سنگین استوار نیست، بلکه بر پایه جدیدی بنام تکنولوژی استوار است. وابستگی تکنولوژی به لحاظ سرعت ابداعات در کشورهای امپریالیستی از یک طرف و عدم امکان تحقیق و نوین ابداعات و موانع سیاسی در کشورهای زیر سلطه و نیز فرار مغزها از سوی دیگر، بطور چشمگیری شدت یافته و در حقیقت در صورتیکه تحت سلطه شرکتهای چند ملیتی، کشوری دارای صنایع سنگین نسازد، بصورت یک کشور صنعتی وابسته در خواهد آمد. هم‌چنانکه هندوستان با تعداد زیادی کارخانه‌های ذوب آهن و کارخانه‌های متعدد دیگر، هنوز وابسته به کشور انگلستان می‌باشد. از ویژگیهای صنعتی شدن وابسته عبارتست از توزیع نابرابر در آمدها بطور حاد آورو، تولید کالاهای مصرفی لوکس و بی‌توجهی به تولید کالاهای ضروری، افزایش بهره‌کاری‌های خارجی، بهره‌برداری ناقص از نیروی انسانی و بالاخره ایجاد حاشیه‌نشین در اطراف شهرهای بزرگ از قبیل آنچه که در اطراف تهران در گودها و زاغه‌ها بوضوح چشم می‌خورد.

در همین رابطه از اثرات شوم دیگر شرکتهای چند ملیتی میتوان برهم زدن توازن صادرات و واردات را در کشورهای زیر سلطه نام برد و سیاست اقتصادی که این شرکتهای انجام میدهند، این کشورها را با کسری ارزش خارجی مواجه می‌سازند و این کسری ارزش خارجی چنانکه گفته شد، ناسی از هزینه‌های گزافی است که بابت حق امتیازها، خدمات، مدیریت افراد خارجی و عدم اجازه و امکان صادرات و مخارج گزاف دیگر ایجاد میشود که این موجب کسری موازنه پرداخت‌های کشور خواهد شد.

## کارگر ارزان و وابستگی کامل

شرکتهای چند ملیتی برای رشد بهتر و بیشتر خود به بازار مصرف و به نیروی کار آزاد شده نیاز دارند. و از طرفی در کشورهای زیر سلطه، اقتصاد خود مصرفی و سنتی فساد آن است و بخش قابل‌ملاحظه‌ای از نیروی کار جامعه سرگرم تولید برای مصرف خویش است. در همین رابطه است که شرکتهای چند ملیتی برای آنکه کارگر مورد نیاز خود را تأمین نمایند سعی می‌کنند تا این نیروها را از کشاورزی سنتی خارج و بصورت کارگر برسی صنایع خود بکار گیرند و این امر را با تسابوری کشاورزی تحقق می‌بخشند و بر اساس عملکرد این شرکتهای که مهاجرت از روستاها به‌طرف شهرها آغاز میشود که نتیجه‌ای جز فلاکت و بدبختی روز افزون برای جامعه و از بین بردن اقتصاد آن ندارد و برای این شرکتهای، کارگران با مزد ناچیز تهیه میشوند و وابستگی کامل اقتصادی این کشورها انجام می‌گیرد.

در جنب برنامه‌های، دیگر صاحبان صنایع داخلی و بخشی که بعنوان صاحبان ملی سرمایه یا «سرمایه‌داران ملی» است، مفهوم و هویت خود را از دست میدهند و در رابطه با صاحبان سرمایه خارجی و واسطه‌های آنان حالت تابعیت بخود می‌گیرند. و چون قدرت رقابت با شرکتهای خارجی را ندارند، یا یکسره از دور خارج میشوند و یا با سرمایه خارجی به‌مناسرت ک برمی‌آیند. امروزه اکثر صاحبان اتگاه به صاحبان سرمایه خارجی وارد تولید میشوند و از این رو دیگر «سرمایه‌داری ملی» مفهومی نخواهد داشت، بلکه از این گروه باید بعنوان سرمایه‌داران داخلی نام برد. این تأثیر شرکتهای چند ملیتی بر صاحبان کارگاههای کوچک تولیدی و صاحبان فروشگاههای کوچک و تولیدکنندگان خانگی نیز، بسرعت آنان را به‌تسابوری می‌کنانند و خود تبدیل به مصرف‌کننده میشوند. برای مثال از شرکتهای بزرگ لباس‌دوزی که بسرعت جاسی هزاران کارگاه خیاطی کوچک را اشغال خواهد کرد و شرکتهای بزرگ کفش، بجای کارگاههای کوچک کفائی و... می‌توان نام برد.

## مصرف کنندگان محصولات

هدف اصلی تولید شرکتهای چند ملیتی برای بخش‌هایی از جامعه است که مرفه‌تر می‌باشند، چه اینان بعنوان بهترین مصرف‌کنندگان کالای لوکس و تعویض سریع نوع مصرف، هدف تولید شرکتهای به‌حساب می‌آیند. از این رو برای بالا رفتن میزان مصرف و افزایش قدرت خرید این بخش از جامعه،

بقیه در صفحه ۷

# تا برقراری جامعه بی‌طبقه توحیدی نهضت ادامه دارد



## طالقانی، فرزند قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

— فاذا فرغت فانصب و الی ریک فارغب

پس هنگامیکه فارغ شدی نایست حرکت کن و بسوی پروردگارت رستگار شو (میل کن) آخرین پیام رفتن بود، آخرین پیام رستگاری بود، رستگاری کسی که همه چیز او خدا بود، حرکتش مقاومتش، مبارزه‌اش و زندگی‌اش برای خدا و بسوی خدا بود. آری آخرین پیام گفتن بود، گفتن کلمه «فزت» بود. کلمه‌ای که علی هنگامه شهادت زمزمه میکرد، که علی قرآن بود، که علی مردم بود، که علی وارث بود و علی مسئول، آخرین پیام علی‌وار بود که پیام وحدت، آگاهی، مبارزه، مقاومت، و تلاش بود و آخرین پیام شهادت و حرکت بود.

باید اندیشید، باید فکر کرد، باید مکت کرد، باید حرکت کرد مکت در بودن کسی که شد و حرکت در نبودن کسی که بود

باید به اندازه راه او اندیشید، باید به اندازه زندگی او فکر کرد. باید به اندازه تاریخ اندیشید. آری چون او آیت خدا بود.

ای پدر، ای طالقانی، ای مجاهد پیر، ای نستوه، ای روح خدا، ای آیه مردم، ای یساور مستضعفان، ای ابوذر زمان ما، ای فرزند قرآن، مرگ تو باید بسازد، باید بشکند، بساید رسوا کند، باید نابود کند هر چه که استبداد است، هر چه که استعمار است، هر چه که ارتجاع است، هر چه که قدرت است

هر چه که ناآگاهی است، هر چه که ویرانی است، هر چه که ظاغوت است و هر چه شرک و بت پرستی است، آری... ای پیشوا من همه گریستم اما نه بر مرگ تو، که بر مرگ آزادی، اما نه برای تو، که برای مردم ما، اما نه بر مرگ تو که بر مرگ عدالت، زیرا که تو آزاده بودی و مهربان، احساس به اندازه ایمانت و ایمانت به اندازه تقوایت و تقوایت خدایی بود، آری، با مرگ تو مردم سرزمینمان عزادار شدن، عزائی به سنگینی عاشورای حسین، که حسین حق بود و حق میخواست و حق می‌جست و آخر به حق پیوست

و تو همه این چنین بودی و به حق پیوستی، که زبان حق بودی و زبان مردم، مسیدانم، میدانم یک واقعیت است که باید گفت و حقیقت است باید رسید که برای خدای مردم و از رنج کوبنده مردم شهید شدی و چه سنگین بود مسئولیت که برای تو مردم چه سنگین بودند که تعهد بود. باری که ابوذر بودی و تنها و مسئول که تنها بدنی آمدی، تنها زندگی، حرکت، مبارزه کردی و تنها همه مردی، برآستی که چه تنهایی سنگینی به تنهایی تاریخ و به تنهایی تاریخ اسلام و به تنهایی مردم و محرومان مستضعف جهان ای رهبر، تو به من آموختی که تجلیل از شهید گریستن نیست، راه اوست، راه او یعنی زاه مردم و راه مردم که راه خدا است.

برآستی که تاریخ روزهای خدا را نمی‌تواند تحمل کند و در خودش بگنجانند که هر روز خدا خود تاریخ است. آری روز مرگ تو روز خدا بود و روز خدا به بزرگی خدا است. باری طالقانی

نهمرده است، طالقانی زنده است

چون طالقانی قرآن بود، با قرآن زندگی کرد، با قرآن به مبارزه برخاست، با قرآن بر استبداد و استعمار و استعمار قیام کرد و با قرآن در اجتماع سیر کرد و با مردم شد. آری طالقانی نهمرده است چون قرآن نمی‌میرد، طالقانی زنده است، چون قرآن زنده است، مگر قرآن می‌میرد که طالقانی بمیرد، طالقانی همیشه زنده است. طالقانی توحید میخواست، طالقانی وحدت را دوست داشت، او عاشق توحید بود و همیشه میگفت انقلاب تداوم پیدا نمی‌کند مگر در توحید، توحید همه گروه‌ها و حزب‌ها و مردم و باز به هیریت عشق میورزید و به امام که مظهر عظوفت است، که مظهر استقامت است، که مظهر مهربانی است و او بار هیرمان تنهایی را و مسئول را و رسالت سنگین بردوش کشیده مردم را و دردها و رنج‌ها و نابرابری‌ها را قسمت میکرد و برآستی که جقدر صبورانه این بارها را تحمل میکرد.

طالقانی در بودنش، در رفتنش به ما هشدار می‌داد و میگفت که ای مردم بساید بدانید در کجا ایستاده‌اید

آری ما باید بدانیم، باید درک کنیم، باید بیاندیشیم که در کجا ایستاده‌ایم و در کجا هستیم و به کجا باید بریم و چه باید بکنیم باید آگاه بود که هدف چیست و کجاست، باید دانست حرکت چیست، مسئولیت چیست، تعهد چیست و تاریخ چیست که انحراف چیست.

باید هشدار داد که طالقانی زنده است، که من زنده‌ام. طالقانی زنده است، که جامعه زنده است طالقانی زنده است که «خمنی» زنده است.

باید هشدار گفت که طالقانی نهمرده است چون من فریاد میزنم، که طالقانی نهمرده است چون من عصبان می‌کنم و طالقانی زنده است چون مردم عصبان و فریاد میزنند.

ای پدر، ای نستوه، به من و خواهران و برادرانم این جمله تاریخ‌ساز حسین شهید را چه خوب فهماندی

و چه خوب در اجتماعمان نشان دادی که

«انما الحیاة عقیده و الجهاد» و برآستی که به ما

الگو و ارزش تازه‌ای دادی که مبارز باشی که هدف داشته باشی و ایثار کنی و شهید باشی که این زندگی و این سعادت و سازندگی است. آری.

ای ارتجاع، ای انحصار طلب، ای قدرتمندان، ای همه‌گونه تاریخ، زر، زور، تزویر، ما مبارزه را

آموختیم. عصبان را، فریاد را و شهادت را و اسلام را از امام‌مان، «امام خمنی» و ابوذر زمانمان «بدر طالقانی» آموختیم.

و متبرک باد نام تو

نامت سپیده دمی است

که بر پیشانی آسمان میگذرد

ما هم چنان دوره میکنیم شب را و روز را ۵۸۷/۲۰ — م — بندر

هنوز را..... خرم‌شهر

## خط امان!!

در ذهن گنگ خویش  
پنداشتیم که او  
میآید از کراته مغرب  
با زورق نجات  
بوشید در بنفشه‌ها صحرایی!  
میخواند از قراسوی ساحل  
آواز بر غرور رهائی را  
گفتم  
کشتی اگر شکسته غمی نیست  
کان ناخدای پیر  
خواهد گشود راه رهائی را  
مردان بی‌بنا  
دریا گرفتگان  
در اضطراب برطیش مرگ و زندگی  
خواندیم در تهاجم امواج سهمگین  
مرگی فجع را  
توفان و خشم موج  
پیشامد دقایق وحشت بود  
در جذبۀ شبانه  
دیدم  
کز دور دست گنگ و مه‌آلود انتظار  
آن زورق نجات که در پندار  
عمر دوباره بود  
مرگ فجع را  
خط امان کشید  
خورشید زندگی  
در آسمان خاطر یاران طلوع کرد  
گفتم  
یاران رها ندیم و رهائی را  
جشنی شکوهند بی‌آغازیم  
خواهی شگفت بود!  
در بامداد ساحل پر امید  
دیدم  
او را فراز خرمنی از لاله‌های سرخ  
در لابلای توده گل‌های نسترن!  
و آن سوی تر  
تابوت‌های ساخته با جوبه‌های دار  
صدها قفس که واژه آزادی  
یا خط سبز در دلشان نقش بسته بود  
و آنگاه  
جشمان رازناک و خسته یاران  
گویای راز وحشت دیگر بود

۵۸۷/۲۸ غ — و

## دگربار

دیشب بخواب دیدم

پیر چریک شهر فقیران را

باردگر سوار شتر کردند

آواره سوی مرگ‌زار بیابانها

دیشب بخواب دیدم

در صحنه‌ای حرام

هنگام عیش و نوش

کعب و شریح و عثمان

تندیس ابتدال و جباول را

تصویر می‌کنند!

دیشب بخواب دیدم

برج‌های خشک کویر گرسنگان

باردگر!

علی به‌گریه نشست است.

۵۸۷/۲۱ الف — ت

## «انتقام»

رفت و گفت. شاطر آقا نوبت منه، اونم مثل من باید بره نه صف» شاطر آقا با دلخوری گفت! «حُبه، حُبه، سرو صدا نکن نیم ساعت صبر کردی دو دقیقه دیگه هم صبر کن بزرگی گفتن: و تون رو به آقا هادی داد. مجید دید با حرف کاری نمیشه کرد در حالیکه سعی داشت تون رو از دست آقا هادی چنگ بزنه با خشم گفت» نوبت منه، نوبت منه، نمی‌زارم بیره، نمی‌زارم بیره» مجید مثل ماهی‌ای که از آب بیرون افتاده باشه دور بر آقا هادی که تونو بالا گرفته بود جرخ می‌خورد تا اینکه شاطر آقا از مغازه بیرون اومد و گوشش رو گرفت و با اردنگی جلوی مغازه ولوش کرد در حالیکه میگفت «بچه برو، خجالت نمیکشه به بزرگتر از خودش میره، تخم سگ»

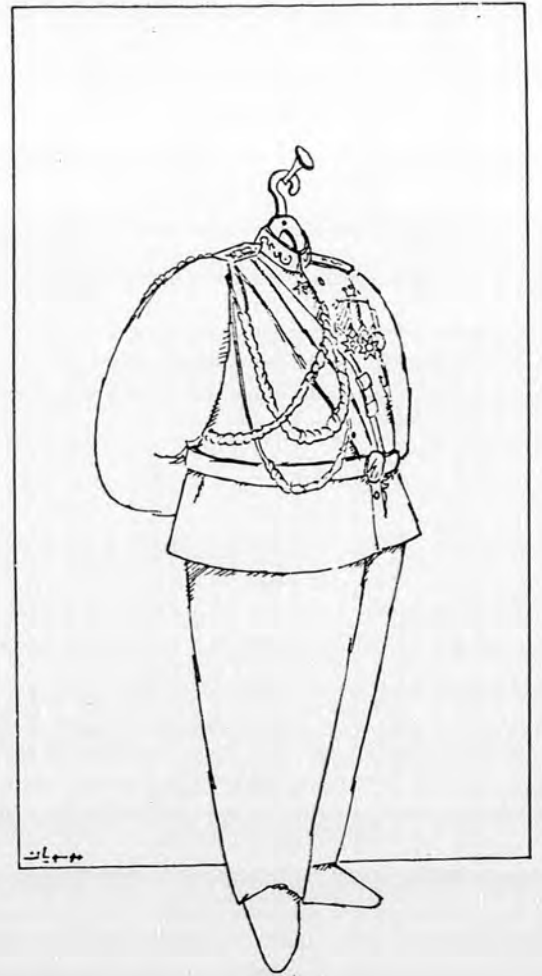
مجید در حالیکه بغض گلویش رو گرفته بود سا آستین چشمهای اشک‌آلودش رو که با خاک مخلوط شده بود پاک کرد در حالیکه احساس میکرد شخصیت و حقش هر دو یکجا باهمال شده پس سعی داشت بطرفی نشون بده که اینطور نیس، برای این منظور مدتی شاطر آقا، صف و محیط اطراف را برانداز کرد و در یک لحظه با دیدن باره آجر روی زمین جرقه تصمیم نوبی کله‌اش زده شد، یواش یواش خودشو بطرف اون کشتوند و بعد در حالیکه سعی میکرد اونو کسی نبینه پشت خودش مخفی کرد و با احتیاط بلند شد و در یک لحظه مناسب، که شاطر آقا برای آوردن تون به انتهای مغازه میرفت نیش به سنجره مغازه رو هدف گرفت و باره آجر رو رها کرد صدای ریختن نیش و خنده پیروزندان مجید بهم آمیخت و همه مجید رو دیدند که رقص کتان سرعت محوطه رو ترک میکرد.

### طلایی

۱: برای توضیح بیشتر به شماره‌های هفته‌نامه امت مراجعه کنید.

ظهر بود و هوا پشیدت گرم، مدرسه‌ها تعطیل و بچه‌ها برای خرید ماست و تون و... تو بازار ولو بودند مجید هم مطابق معمول می‌بایست بعد از مدرسه تون نساها رو خریده به‌خونه بره باین جهت نفس‌زنان دوید جلوی صف نونوایی و گفت: «شاطر آقا سه تون» شاطر آقا با غضب گفت، «چته، چته، از راه نرسیده عجله داری؟ مگه کوری صف رو نمی‌بینی برو نه صف» مجید تازه متوجه صف شده با ناباوری رفت نه صف صف با کندی پیش میرفت و مجید دلش حساسی شور میزد که مبادا دیر بشه و دوباره کتک دیر آوردن تون رو بجای نساها نونش جان کنه و این مسئله رو با حرکات غیر عادی دست و پا نشان میداد. از قیافه‌اش پیدا بود که بعد از مدرسه به‌دست فوئیتال زده باشاند چون حسابی عرق صورتش بسا گردوخاک کوچه مخلوط شده بود در این اثنا یک خانم تیش‌سامانی اومد جلوی صف و بعد از لب و لوجه انداختن واسه شاطر آقا و گفتن «بسختید» به‌سفر اول صفی، یکدونه تون گرفت و به‌مرسی جاشنی کرد و رفت، مجید که کلی دل خور شده بود بخودش فشار میداد و زیر لب باون خانم و شاطر آقا ناسزا میگفت. بالاخره نوبت به مجید رسید، مجید با کلی آرزو سر صف قرار گرفت و نگاهی به اطراف انداخت تا از سر صفی بودن خود کیف کند. درست موقعیکه شاطر آقا تصمیم داشت تون مجید رو بده آقا هادی شکم گنده از راه رسید و با زبان جرب و نرم خودش در حالیکه با شاطر آقا خودش و بش میگردد جلوی مجید سر صف قرار گرفت و ضمن احوال‌پرسی دستور سه عدد نان دو آنبیشه داد.

مجید که تقریباً زیر هیکل آقا هادی گم شده بود سعی میکرد با شاخ و شونه کشیدن خودشو نشون بده تا نوبتش از دست نره اما شاطر آقا بسی‌توجه به اون میخواست تون رو به آقا هادی بده که مجید از کوره در



## پیام طالقانی، شهادت است و شورا



بقیه از صفحه یک

# گزارشی از بند انزلی

برای ما روشن است که اینگونه عناصر از هر گونه فرصتی برای تسخیر و فعالیت بر علیه پاسداران استفاده کرده و خواهند کرد اتحاد بلاژداران بزرگ، مشروب فروشان، قاچاقچیان و گردانندگان مراکز فحشاء و لومینها از جو حاصله از درگیریهای دوروزه بند انزلی بسوی استفاده کرده و در تحریک مردم و سوءاستفاده از قیام برحق صیادان آزاد، نقش بسزائی داشت. در همین رابطه ذکر چند نکته ضروری است:

۱- در گرماگرم کارهای دوروزه بند انزلی، بعضی از اعضای خانواده وکیل منفرد (که یکی از عوامل رژیم گذشته بوده و اینک در زندان بسر می برد) عکس شاه را در خیابانها حمل میکردند و شعارهایی بر علیه انقلاب میدادند و فکر میکردند که عکس شاه به ایران خواهد آمد! صتم بگم غم! فهم لایر جوع!

۲- یکی از کسانی که در روز دوشنبه جلوی نیلات به قتل رسیده، بنا بگفته برستک قانونی با گلوله های ساجهای کشته شده است. در حالیکه هیچیک از پاسداران به تنگ ساجهای مسلح نبوده اند.

۳- در روز سه شنبه قبل از شروع راهپیمایی، عناصری مسلح به یوزی (یکی از افرادی که قبل از کمیته عضو بوده است)، ام پک و کلت (که شخص مسلح به کلت در مقابل اعتراض یکی از مردم میگردد: «ما از لاهیجان به کمک شما آمده ایم») و همچنین مقدار زیادی کونکول مولوتف در میان جمعیت دیده شده اند و این حکایت از آمادگی قبلی برای درگیری با پاسداران را میکند.

۴- محل سیاه پاسداران در دست در خلاف جهت بیمارستان به گورستان است و تنبیه جنازه شهدای روز قبل گورستان قاعدتاً باید از مسیر مخالف مسیر تظاهرات انجام میگرفت و...

## ب- سپاه پاسداران

بدون شک سپاه پاسداران انقلاب صرف نظر از موارد استثنائی از جوانان صادق و مؤمن به انقلاب تشکیل شده و یک بدنه مردمی است و بعنوان تنها نیروی عمده ای که در سرکوبی ضد انقلاب، شناسایی و دستگیری جانپان رژیم گذشته عمل میکند، مورد نفرت این عناصر میباشد. اما اینرا نیز نباید فراموش کرد که این جوانان اکثراً فاقد تجربه برخورد با مردم و مسائل آنان می باشند و بعلاوه نداشتن آموزش ایدئولوژیک- سیاسی کافی و صرفاً تکیه بر احساسات باک مذهبی و سوءنفس شدید به همه نیروهای دیگر که یکی از عوارض حاصله از جو سیاسی کلی حاکم بر جامعه است که بوسیله مخالف خاصی هم چنان بدان دامن زده میشود. در برخورد با موقعیتهائی از قبیل آنچه در انزلی رخ داد عکس العمل هائی مشکل از خود بروز میدهند که ناخواسته آنانرا در موضعی قرار میدهد که تشخیص مردم از ضد انقلاب را بر اینان مشکل میکند. برخورد پاسداران با وقایع روز دوشنبه و تظاهرات نیلات جدا از آنچه که اجتناب ناپذیر بود، مثلاً شلیک اولین گلوله که به احتمال قوی در اسر کمانه کردن همین گلوله یک نفر کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند، برخوردی ناشی از بی تجربگی است. مثلاً چند تن از پاسداران در اولین لحظات تظاهرات به میان جمعیت رفته و با آنان به بحث در مورد اینکه بعضی میگفتند که «نیلات را به آتش خواهیم کشید» می بردازند و بعد در اسر حمله عده ای به پاسداران یکی از آنان یک تیر هوائی شلیک میکند و سپس دیگران و گارد داخل نیلات هم به تیراندازی می پردازند. در اینجا باید گفت که طرف مقابل صیادان، پاسداران انقلاب نیستند و هر گونه بحث و مذاکره ای باید بین صیادان و نیلات و مقامات مسئول انجام میگرفت و اگر هم قصد گفتگویی با مردم وجود داشت باید از طریق بلندگو و خطاب به همه آنان و نه فقط بحث با عواملی که شعارهای تحریک کننده میدادند، صورت میگرفت. چرا که سپاه پاسداران انقلاب، از همین مردم است و وظیفه اش نیز بنا به گفته یکی از پاسداران مجروح انزلی «حفظ انقلاب، سرکوب ضد انقلاب و کمک به مردم» میباشد و هرگز در مقابل آنان قرار نخواهد گرفت.

مسئله دیگر اینست که نسبت دوشنبه ۲۳ مهرماه، در جلسه ای که با حضور نماینده امام، فرماندار، استاندار گیلان، رئیس ژاندارمری، رئیس شهرپای و... تشکیل یافته بود، به پاسداران احتمال

درگیری فردا گونزدنده بود و از آنان خواسته شده بود که مقرر خود را برای مدتی ترک گویند و از شهر خارج شوند. زیرا مشخص بود که در تنبیه جنازه فردا احتمال درگیری و بخصوص تحریک مردم از طرف عناصر شناخته شده وجود دارد. اما پاسداران اینرا به آن معنی گرفتند که اگر مقرر خود را ترک گویند، گناه حوالت اخیر را بگردن گرفته اند و سنگر را خالی کرده اند و... البته به گفته پاسداران، آنان احتمال درگیری با مردم را، بدلیل اینکه خود را

## د- فرصت طلبان و مخدوش کردن صفوف انقلاب:

ترکت در مبارزات توده ها و یاری آنان در راه رسیدن به خواسته های برحقشان، بدون شک امری مقدس است و بیگیری و مقاومت در این راه، خود مرز بین حرف و عمل را مشخص میکند. اما هرگز نمی توان دامن زدن به درگیریهای تحمیل شده بر مردم و اتحاد با اوپانی و مفسدت را به معنی «ترکت در مبارزات توده ها» قلمداد کرد. و در همینجا باید از ضعف بزرگ و نابخشودنی بعضی عوامل چپانما که همانا مشخص نکرده و سرزبندی دقیق خود بسا

● وقایع انزلی هشدار می بود بدولت که عوامل امپریالیسم در روبرو کردن مردم با پاسداران و تقویت ارتش در مقابل آنان را دارند

● وجود عناصری از قبیل بلاژداران بزرگ، اوپاش، مشروب فروشها، قاچاقچیان مواد مخدر در جمع ناراضیان موقعیت خاصی را در انزلی آفریده بود.

بیگانه میدانستند، نمیدادند و فکر می کردند که تنبیه جنازه فردا با تظاهرات راهپیمایی که بدنبال خواهد داشت حد اکثر به «نفسدادن و شکستن سینه های مفر سپاه» خواهد انجامید. اما آنچه در عمل بوقوع پیوست نشان داد که با توجه به وقایع ماههای اخیر و سنتی مسئولین در برخورد به مسائل مردم، ضد انقلاب با امیدواری بیشتری نسبت به گذشته از حوادثی اینچنین بهره برداری میکند و از هر فرصت کوچکی برای دامن زدن به درگیریها و تشنیت استفاده خواهد کرد.

از طرف دیگر سپاه پاسداران یک عامل عمده در خنثی کردن یک کودتای احتمالی از جانب عوامل امپریالیسم در ارتش بشمار میرود و بنابر این عوامل امپریالیسم با استفاده از موقعیتهای موجود و ضعفهای اجتناب ناپذیر سپاه که عمدتاً ناشی از زمان پیروزی انقلاب و موقعیت نیروهای انقلابی میباشد، سعی خواهند کرد که با ایجاد اینگونه درگیریها سپاه را در مقابل مردم قرار داده و ارتش را در چنین موقعیتهائی به میدان کنند. این امر در رابطه با دو موضوع اهمیت خاصی پیدا میکند. اول اینکه به میدان آمدن ارتش کاملاً تصفیه نشده ای که بافت است، منجر به تحکیم همان روابط گذشته و جو اطاعت کورکورانه در آن خواهد شد و همان سلاحها و وسائلی که منبع اصلی تهیه آنها آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی میباشد، بکار خواهند افتاد و نتیجتاً وابستگی این ارتش به انحصارات امپریالیستی همچنان پایدار خواهد ماند. دوم اینکه در مقابل مردم قرار گرفتن پاسداران منجر به بدبینی و نفرت مردم از آنان خواهد شد و زمینه برای حمایت از اعمال ارتشی که ماهیتاً ضد مردمی است فراهم خواهد گشت. شعارهایی که بر دیوارهای انزلی نوشته شده است از قبیل «ارتش برادر ماست»، پاسدار دشمن خلق ماست» دقیقاً ناحیه ای عوامل مطرح شده و در ادامه همان سیاستها می باشد و باید با تعمق بیشتری به آن برخورد نمود. به نظر ما بطور کلی برخورد پاسداران با مردم انزلی گرچه ناخواسته و ناخودآگاه، برخوردی عجولانه و ناشی از بی تجربگی بوده و بهرحال برخوردی مردمی نبود.

## ج- شیلات و مسئولین وزارت کشاورزی:

بدون شک یکی از عوامل بوجود آورنده وقایع خونین انزلی، برخورد غیر مردمی مدیران شیلات و مسئولین وزارت کشاورزی می باشد. زیرا همانطور که در متن گزارش آمد. مسئله صیادان از مردودین ۵۸ از جانب فرمانداری با آنان در میان شد. بود و کمی صداقت و هشیاری و یک برخورد مردمی در چهارچوب منافع مردم و انقلاب می توانست به عمل بسیاری از مشکلات آنان کمک نایسانی نماید. متأسفانه یکبار دیگر در اسر سهل انگاری این عوامل شاهد جامعه ای بودیم که بیش از ۱۴ کشته و ۹۰ زخمی بر جای گذاشت و کینه ها و نفاق را بین مردم هم سرنوشت دامن زد. مسئولین شیلات که بیونی از محرومیت و دردهای صیادان آزاد نبرده اند، در دست همانند دوران رژیم طاغوتی با آنان و خواسته هایشان برخورد کردند و یکبار دیگر ضرر توسل به «قانونهای مصوبه» دوران طاغوت را به چشم خود دیدند قاعیترو یا اولی الا بهار!

داد. دوم اینکه میتوان خواسته های برحق مردم را به رسمیت شناخت و حمایت آنان را در سرکوب ضد انقلاب و سرمایه داران زالوصفت و سرتعین جلب کرد. البته بحث در اینکه آیا مسئولین نیلات و وزارت کشاورزی و مشابه آنان، ماهیتاً قادر به انجام چنین امری هستند یا نه، از حوصله این گزارش خارج است و در جاهای دیگر بدان اشاره شده است. در هر حال وقایع انزلی هشدار می بود بدولت که این تضاد را باید و میتوان به نفع مستضعفین و مردم حل کرد. هشدار می بود بدولت که عوامل امپریالیسم سعی در روبرو کردن مردم با پاسداران و تقویت ارتش در مقابل آنان را دارند. و به این ترتیب زمینه را برای فعال شدن عناصر ضد خلقی ارتش در جهت تثبیت همان روابط و ضوابط گذشته فراهم کنند. وقایع انزلی همچنین هشدار می بود به جوانان صادق و مؤمن با پاسدار که عوامل امپریالیسم هر خواهند آنانرا، مقابله با مردم دارند و از آنان

بقیه از صفحه ۳

# کسب و تجارت صحیح

سرنوشت یکدیگر سهیم بودند. اگر فقر و قحطی و کمبودی بردان همه را میگرفت و اگر فراوانی، نصیب همگان میشد. از هم یاد میگرفت که ذخیره نکند و اضافه نگاه ندارد. البته در علاقه انسان به محصول دستهایش تردید وجود ندارد. هر کس ساخته و مخلوق خود را دوست دارد و احساس مالکیت به چیزی که ساخته دست شخص است بر این علاقه استوار است. ولی این احساس چیزی نیست که نسود بر آن غلبه کرد و بدبھی است نند و ضعف این علاقه بستگی به روابط و مناسبات اجتماعی و ارزشها و اخلاقیات رایج و حاکم دارد. تحت نظام و اخلاق سرمایه داری علاقه به تسلط قوی میشود. بعکس در جوامع ساده اولیه که یاد کردیم این احساس بسیار ضعیف است. در ایدئولوژی اسلامی لازمه کسب تقوی و تکامل شخصیت و قرب به خدا غلبه بر این نوع علاقت و احساسها نمرده شده است؛ تسلط بر هواهای نفسانی و کنترل احساسات و علاقت شخصی و گذشت و فسادکاری و ابتکار، نشانه های تقوی و لازمه خداگونه شدن است. اتفاق و گذشت از مال و بخشیدن مازاد «فصل» در نوع آسار اساسی دارد؛ یکی برکردن خلایق اجتماعی یعنی نیازهای برآورده نشده و فاصله های که بین مردم از لحاظ بهره مندی از نعمتها وجود دارد. دوم- آزاد کردن شخص از پای بستنی به علاقت مادی، به دستاوردهای شخصی و به مالکیتها و به هر چه اضافه بر احتیاج است و رساندن وی به مرحله ایثار یعنی صرف نظر کردن از نیازمندی شخصی به خاطر دیگران - ترجیح دادن غیر بر خود. و «الذین یتوزون الدار و الایمان من قبلهم یحیون من هاجرا الیهم ولا یجرون فی صدورهم حاجه میا اتوا و یجرون علی انفسهم ولو کان بهم حضاوه و من یوق شیخ نقیه فاولئک هم المفلحون» ۲۸ آنان که بیش از آنان در منزلت ایمان جای گرفتند، کسانی را که بسوی آنها هجرت میکنند دوست دارند، در سینه های خود نیازی نسبت بدانچه به آنها داده شد، نمی یابند و بر خود ترجیح میدهند هر چند نیاز مند خود و تنگدست باشند و کسیکه از بخل خودداری کند، بس آنان پیروز و رستگارند.

از این رو خداوند بخشیدن مازاد بر احتیاج از محصول کار شخصی را که فربه به لطف و رحمت الهی بدست آورده، نردبانی برای ترقی و تکامل وی و وسیله ای برای برکردن جاهای خالی از نیاز مندبها در جامعه میداند. در جامعه توحیدی که راه هر گونه استثمار، تجاوز و سددود میشود- تنها از یک راه ممکن است کسی قدرت بیشتری برای بهره برداری و تنم کسب کند و آن کار و تلاش و خلاقیت بیشتر شخص است. خداوند با دستور به انفاق و بخشیدن مازاد، جلوی این راه را هم میگیرد و از اختلاف بین افراد جلوگیری می کند. «... و لاتنشوا الفضل بینکم» ۲۹ (دان مازاد را در بین خود فراموش نکنید). همانند کسانی تابندید که با خدا بیمن می بندند که اگر از رحمت خویشی آنها را موقوف گرداند، با انفاق و گذشت شخصیت معنوی خود را کمال بخشد و از مردم صالح شوند ولی چون به نعمت و زیادتی رسیدند و خدا آنها را موفقت داد، بخل می ورزند و از اجرای فرمان خدا سر باز زده دست به انفاق و بخشیدن مازاد نمی زنند. «منهم من عادل الله ان ایستنا من فضله لنتصدقن و لکنون من الصالحین فلما انهم من فضله بخلوا و تلووا هم معرضون» ۳۰ از ایشان کسانی با خدا بیمن هستند که اگر از فضل خود به ما بدهد بخشیم و

بقیه در صفحه ۸

موارد مشابه به لطف خدا نسبت داده میشوند. در اینگونه موارد خداوند دستور میدهد اضافه را به مردم بخشند. اتفاق کن «پسنلونک ماذا یفقون، قل العفر» از تو درباره اتفاق شوال می کنند بگو اتفاق بخشنیدن مازاد است.

ندادند اساس مناسبات افراد را در زمینه معیشت در جامعه بر مبادله و بخشش مازاد میگذارد. هر کس مازاد احتیاج از تولیدات خود را به جامعه بدهد کُل تولیدات اجتماعی بین همه مردم تقسیم میگردد نیازمندی باقی نمی ماند و اضافه در یک جا جمع نمیشود.

اصل بخشیدن مازاد ممانع تجمع ثروت در دستهای افراد میشود. اصل بخشیدن مازاد عامل توزیع عادلانه محصول بین همه افراد است. اصل بخشیدن مازاد مبین پیروی از مصرف و نگهداری در حد احتیاج است. اصل بخشیدن مازاد مانع کثرت جمع کردن، نگاهداری ثروت، مانع اسراف، برهیز از مصرف اضافه بر احتیاج و مانع تذبذب و تلف کردن ثروت است اگر این اصل منبای مناسبات اجتماعی - اقتصادی در جامعه قرار گیرد، در اینصورت چیزی برای فروش باقی نمی ماند. زارع کند اضافه را میدهد و کفش اضافه دیگران را می گیرد. شهر کوچک و یا دهکده ای را مجتمع کنید که همه مردم از زارع و پیشه ور، آهنگر، نجار، کفاس و... هر مقدار محصول و هر مقدار کالا اضافه بر احتیاج خود تولید کردند به انبار یا محلی مختص اینکار بیاورند و در محل معین بگذارند، چنانکه همه محصولات و کالاهای اضافی نگهداری میشوند - در بخش اجناسی مانند میوه و سبزیجات که سباید زود و روزانه مصرف شوند و در بخش کالا و محصولات طولی العمر. هر کس می آید اضافه خود را میگذارد و ما محتاج خود را بر میدارد قطعاً با خنده خواهد گفت تحقق چنین جامعه ای محال است زیرا در اینصورت بسیاری از روی تنبلی وقتی می بیند هر چه لازم دارند در اختیارشان است، دنبال کار و تولید نمی روند، بسیاری با دلسوزی و علاقه کار نمی کنند و سعی نمی کنند اضافه تولید کنند، بعضی اضافه بر احتیاج برداشته، اسراف میکنند و ایرادهای مشابه دیگر.

قبلاً و نباید در آغاز این مباحثات به اختصار درباره شرایط عینی و ذهنی استقرار نظام توحیدی صحبت کرد. آری تحت شرایط موجود تسول و تحقق چنین جامعه ای تقریباً محال است اما غلط جامعه ای رسید. بشر در گذشته دور، زمانی که از آگاهی بسیار کم نصیب داشت روابط و مناسباتی از این نوع را تجربه کرده است نزد اقوام ساده و آنها که در شرایط بدوی زندگی میکردند و با بدبدهای جدید تولید، توزیع و معامله و تجارت آشنائی نداشته و بول و سود نزد آنها نامفهوم بود و رسم بود که هر کس اضافه تولید خود را میآورد و در محل معینی میگذارد و آنچه احتیاج داشت از محصول اضافی سایرین بر میداشت و این رسم را در بعضی قبائل و اقوام بولاج میگفتند.

برخلاف نظر بعضی انسانشناسان، سودجویی و مالکیت امری فطری نیست بلکه انسان این نوع غلایق را در طول زندگی اجتماعی کسب میکند. اگر از ابتدا با جامعه ای روبرو شد- از خانواده تا اجتماع - که همه کار میکنند و هر کس از محصول کار فقط در حد رفع نیازمندی بر میدارد - نسبت به آینه، کسی نگرانی فزندی نداشت - همه در

## سخن آخر

متأسفانه بار دیگر و در گونه ای دیگر از میهنمان، شاهد یک درگیری ناخواسته و برادر کنی و شهادت مردم بیگانه و پاسداران بند انزلی ندیم. ریشه های این درگیری را بدون شک باید در ظلمی که طسی سالیان دراز بر صیادان آزاد رفته و زورگویی های انحصاری و استثمار نیلات جستجو کرد. متأسفانه مسئولین امور نیز با برخورد های غیر اصولی و غیر مردمی خود بسا خواسته های بحق این محرومین جامعه ما، زمینه را برای ایجاد یک درگیری تحمیلی و بهره گیری ضد انقلاب و فرصت طلبان آماده کردند. مسئولین امور بعضی اینکه از تجربه های ۹ ماه گذشته بیاموزند و قانون «تجربه و آموزش» را مد نظر قرار دهند، قانون «تجربه و تجربه» را پیش رو دارند و از قرار معلوم می خواهند همواره تجربه بیاموزند!

واقع انزلی هشدار می است به دولت موقت و اعضای آن که در این امر دخالت داشتند، که مسائل مردم را نمیتوان پشت گوش انداخت. قانونهای ضد مردمی را نمی توان مقدس شمرد و همه را ملزم به اجرای آن دانست. در عصر انقلاب نمیتوان انقلابی عمل نکرد، چرا که در غیر اینصورت مردم خود دست به عمل خواهند زد، نمیتوان طوری عمل کرد که به هیچکس، هیچگونه آسیبی وارد نیاید. باید منافع سرمایه داران و زمینخواران را در تعیین رأی فدی منع، انقلاب و مستضعفین کرد و بسا تکیه بر محرومین، انقلاب را به جلو هدایت کرد و... آنچه بسیار مهم است اینست که خواسته های بحق مردم میتواند در دو جهت متضاد و از دو کانال متفاوت مطرح و با آنها برخورد نمود. اول اینکه میتوان، همانند برخورد مسئولین نیلات و وزارت کشاورزی، بدانها واقعی نهاد و مردم را به ضدیت کشاند و نهایتاً فرصت به ضد انقلاب و فرصت طلبان



# آری نگرانیم و نگوئید نگران نباشید

بسم الله الرحمن الرحيم

فذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين (پس به یادشان آری برائستی که یادآوری مؤمنین را سود دهد) آنچه ما را به نگرانی این سطور واداشت احساس مسئولیتی است که در برابر خدا و خلق خدا مسکین و سبیز نگرانی ای که نسبت به جریانات کار مجلس خبرگان داریم خصوصاً اینکه در هفته آینده بحث مجلس پیرامون یکی از حساس ترین قسمتهای قانون اساسی یعنی سئالات اقتصادی است.

قرائن و طرز عملکرد مجلس نگرانیهای جدی برای تمام مسلمانان مبارز و مومنان به انقلاب بوجود آورده است. حذف اصطلاح توحیدی و حساسیتی که در برابر این مفهوم اساسی مکتبی نشان داده شد نشانه آنست که جو حاکم بر مجلس به هیچ وجه بسا روحیه انقلاب مکتبی سازگاری ندارد حذف این کلمه و حتی کلمه الهی نه تنها قلوب هزاران جوان مسلمان و انقلابی را به درد آورده بلکه تمامی کسانی را گرچه مسلمان نبودند ولیکن اسلام را حداقل با این دو وجه متضخ میشناختند به تعجب واداشت عنوان کردن این مسئله که توحیدی یعنی بی طبقه و بی طبقه یعنی کمونیستی همگان - حتی کمونیستها را نیز به میرت انداخت وجود این گونه طرز تفکرها و نیز وجود افرادی که به قبول سیداحمدخینی سالهای سال از مسخره کنندگان مبارزه و مبارزان بوده اند بیش از هر چیز انسانا دچار نگرانی میکند آگاهی از این موضوع که در این مجلس کسانی هستند که آیت الله منتظری را وهابی دانسته و در دست در جهت مخالف ایشان و مرحوم طالقانی هستند آدمی را مضطرب میسازد شگفتا، مگر طالقانی جز پیام آور جهاد و شهادت و شورا بود؛ مگر جز سبیل مبارزه با استعمار و استعمار و استبداد بود؛ مگر جز این بود که طالقانی عمری را تبعیدی تبعیدگاهها و زندانی دهمه های سیاه آریامهر بود؟ پس مخالفت با شخصی که حیانتی سراسر مبارزه و بیکار علیه ظلم و بی عدالتی و تحقیر آرمانهای اسلام راستین بود بیانگر کدامین معنی تواند بود جز اینکه...؟

اینهاست مسائلی که میلیونها مردم را که سالهای سال با پامال حاکمیت حکومتی غیر الهی و نظامات غیر توحیدی بوده اند نگران کرده است و خاطر هزاران هزار جوان انقلابی و مسلمان را که همه عمر بسا استبداد و استعمار و استعمار مبارزه کرده اند برآشفته است... هنوز جهره آن بیز مظلوم که همیشه در مجلس خبرگان سردر گریبان و غمگین و افسرده، های و هوی هائی را که بر سر اساسی ترین مفاهیم مکتب - شوراها - صورت میگرفت، نظاره میکرد از برده ذهن زفته است.

هنوز فریاد نگرانش که میگفت: «میتروسم سطح این قانون اساسی از قانون هفتاد سال پیش هم پایین تر باشد» در گوشها طنین انداز است...

و اینها تنها نگرانیهای او نبود این نگرانی را در سیمای دیگر اعضای درد آشنای مجلس نیز می بینیم و در صداهای «خسته» و «تناه» شان می شنویم... و حالا وقتی دامنه کار مجلس به تنظیم و تدوین قوانین اقتصادی کشیده میشود حق داریم بیش از پیش نگران باشیم و نگرانیها و ادوار مسان سازد تا در دهایمان را بر مضحکات کاغذ بنامیم هر چند امید نداریم که فریادمان بجائی رسد.

آری نگرانیم و نیرسید «چرا نگرانیم؟» و نگوئید که نگران نباشیم» نگرانیم زیرا میتروسم فردا برای اینکه بخواهند ثابت کنند اسلام با کمونیسم فرق دارد تصویب کنند که در جامعه استعمار باید وجود داشته باشد چون کمونیستها هم میگویند جامعه باید فاقد از هر گونه روابط استعماری باشد. نگرانیم زیرا در این جامعه کسانی هستند که بنام اسلام معتقدند در اسلام اصلاً مصادره ای وجود ندارد نگرانیم زیرا هستند افرادی که از اینکه مردم خواهان تغییرات بنیادی هستند تعجب میکنند... نگرانیم زیرا هستند کسانی که بنام اسلام از سرمایه داران پلیدی که سالهای سال خون کارگران و زحمتکشان این سرزمین را مکیده اند دفاع کرده و دل میسوزانند.

و تعجب میکنند از اینکه باید بانکارا ملتی کرد، روابط با آمریکا و مصر و کشورهای مرتجع منطقه را قطع نمود و هنوز راجع به لغو قراردادی که بناسبت آن «امریکا هر وقت منافقش در ایران به خطر بیفتد میتواند دخالت نظامی کند» تردید دارد و معتقدند باید بررسی شود آری نگرانیم چرا که می بینیم علی رغم تاکید امام در حمایت از مستضعفین و بیالخص مسلمین

مستضعف، کسانی به خود این اجازه را میدهند که صدور نفت به فیلیپین را بی عیب قلمداد نمایند و از مردم قهرمان فلسطین بطور جدی و محسوس حمایت نکنند.

و چگونه مطمئن باشیم که چنین طرز تفکرهائی در مجلس خبرگان وجود نداشته باشد؟ آری نگرانیم و نگوئید نگران نباشید که انقلاب را در دست و انحصار کسانی میبینیم که از شناخت بارزترین و پیش با افتاده ترین مفاهیم مکتب عاجزند. آری می ترسیم نکتد بینشهای مسائل اقتصادی را طرح ریزند که در مصادره اموال سرمایه داران تردید داشته باشند... برنامه اقتصادی را کسانی طرح ریزند که معتقدند: «امام باقر ثروتی بی حد و حصری داشت» و بر این اساس مالکیت را حد و حصری نیست کسانی که سرمایه داران را به کارخانهیشان باز می خوانند تا با ایمنی و آسودگی به غارت دسترنج کارگران بپردازند و...

و خلاصه بینشهای اینچنین دوساره اسلام بنی امیه و بنی عباس را بر اسلام علوی پیروز گردانده و سنتهای جاهلیت و شرک را بر جامعه تثبیت نمایند. ما معتقدیم که قیام توده ها برای این نبوده است تا زندانیانیشان را عوض بازنجیره های دستشانرا نگویند آنها طالب آزادی و محو ظلم و استعمار بوده اند و آنها خواستار اسلامی هستند که در پناه آن سرمایه داران و وابستگان احساس امنیت و آسایش نکنند بر این اساس است که همداران میدهیم: مردم تا زمانی شما را وکلای خویش می یابند که هائیشتر از از جنگال استعمار، استبداد، استعمار تضمین نمایند... که حافظ دین و حدود خدا باشید که آنها را از حکومت طبقه ای بر طبقه ای دیگر رهائی بختید و «اغلال و امیرها از دست و بایشان وانهید.

تنها به حکم و طبقه اسلامی و نیز به حکم آیه ای

که در اول نوشتار آمد در رابطه با تدوین و تصویب مسائل اقتصادی اسلام چند تذکر را به عرض میرسانیم.

## اعضای محترم مجلس خبرگان

قیام بسایم بران برای قسط بوده است و بسایک بر امانشان علیه ملاء و مترفین و مستکبرین. به یاد داشته باشید: «اسلام کل محصول جامعه را متعلق به همه اعضای جامعه میداند»

«آن اموال العامه می اموال للشعب بکامله» و هر فرد در حقیقت فقط به اندازه رفیع نیاز خود در اموال عمومی صاحب حق است در جامعه اسلامی همه افرادی که قدرت کار کردن دارند باید در تولید اجتماعی شرکت کنند و همه استعداد خود را در رشد جامعه و قدرت معنوی و مادی آن بکار گیرند، اما از آنچه تولید میکنند فقط به اندازه نیاز خود برداشت کرده بقیه را به اموال عمومی ضمیمه کنند.

به یاد داشته باشید: «الزرع للزرع ولو کسان غاصبا» و «نیز الارض لمن احيها» به یاد داشته باشید پیامبر - مردی که در برابر هیچ کس جز خدا سر خم نمیکند - منحصرأ دستهای کارگری را که از شدت کار پینه بسته است میبوسد و میفرماید «این دست را خدا و رسولش دوست دارند» و علی خطاب به حاکم آذربایجان میفرماید که «حاصل دست آنها جز برای دهانهایشان نیست».

نکند که خدای نا کرده ذره ای غفلت و کوتاهی شما سبب شود تا حاصل دستهای پینه بسته کارگران و کشاورزان - که به حق و بی شک از بارزترین مصداقهای مستضعفین هستند - نصیب دهان دیگران شود همواره ابودر را به یاد داشته باشید که چگونه بر سر عثمان و عبدالرحمان ابن عوف آیه «والذین یکتزون الذب والفضه ولا یستفقونها فی سبیل الله فیشرهم بعذاب الیم» را فریاد میکشید و بر سر کعب الاحبار که ثروت عبدالرحمن بن عوف را به توجیه شرعی نشسته بود استخوان شتر میکوبید. امید اینکه در برنامه ریزی اقتصادی قانون اساسی جمهوری اسلامی از دیدگاه ابودر به وضع قانون همت گمارید.

قانون از کجا آورده ای را از یاد نبرده آیه کفر را در قانون بصراحت ذکر نمائید نکند فراموش کنید

که علی در مورد غارتگران بیت المال فرمود: بسخدا اگر بختبیده عثمانرا بیام به مالک آن بازگردانم اگر چه از آن زنها شوهر داده و کنیزان خریده شده باشند» و خلاصه برآستی انسانها را جز بر دسترنجان حققی نشناسید که «لیس للانسان الا ما سعی» و بر این اساس آیه «فلسکم رؤس امواکم لا یظلمون ولا یظلمون» را راهشما تفقه خویش قرار داده و سرمایه را از حق مالکیت بر تولید ممنوع گردانید تا هیچگاه امامت اسلامی به دولت مظهر زور و حاصل روایط قدرت بدل نگردد (اقتصاد توحیدی).

و بالاخره به یاد داشته باشید که موسی بسا فرعونیان، عیسی با قیصریان، محمد با اشراف قریش و علی با معاویه و ابودر با عثمان و تمامی بسایم بران و مصلحین با ملأها و مترفین چگونه به نرسید برخاستند؟

مردانی که باره کردن زنجیرهای پردگی جسم و روح (استعمار و شرک) را از دست و پای انسانها در همه اعصار و در تمامی جهان و طبقه و رسالت فوری و درنگ ناپذیر خود قرار دادند و کاروان پر تلاش بشریت را مستضعف را در این راه رهبری کردند و به پیش رانندند و ضربات مهلکی بر مستکبرین و طاغوتهای تاریخ و طبقات ملأ و مترف و مسرف وارد ساختند و هم در این راه از همه چیز و حتی جان خویش گذشتند و انسانهای آگاه را به ادامه راه تاریخی و الهی خویش دعوت کردند چه ایمان داشتند که فوز و رستگاری و فتح نهائی نصیب مصلحین (مجاهدان راه حق) و مستضعفین و خلقهای محروم است.

خدا ما را و شما را از صالحان و بیرون حقیقی رسولان و امامان و مردانی که برای قسط قیام کرده اند قرار داده و شما را در مسئولیت عظیمی که بر عهده دارید باری دهد. «فذكر وانما انت مذكر لست علیهم بمصیطر» امام خبثی را بسا تدوین یک نظام اقتصادی واقعا اسلامی در مبارزه اش علیه استعمار بیاری دهید.

انجمن اسلامی مدرسه عالی پارس - انجمن اسلامی دانشکده انقور ماتیک دانشگاه ملی

## وحدت عملی بین دانشگاه و روحانیت فقط با نابودی ارتجاع

### امکان پذیر است

«بنام خدای مستضعفین»

از پیروزی انقلاب خونین خلق مسلمان ما هنوز زمانی نمی گذرد که هر روز شاهد این واقعیت تلخ و تأسف آوریم که: شکاف در جهت روحانیت و دانشگاه فزونی میگردد و این به مثابه زنگ خطری است که وحدت صفوف نیروهای رزمنده انقلاب را دستخوش سزلزل ساخته و در آینده ضربه های جبران ناپذیری را به نهضت اسلامی وارد می نماید و این برخلاف نظر امام است و مردم است، و به رغم همه تلاشهایی که از جانب روحانیت راستین اسلام و دانشگاهیان معتقد به انقلاب بعمل می آید - هنوز وحدت حقیقی حاصل نگردیده است چرا که برای وحدت نیاز به ایجاد زمینه مناسب و حذف عوامل تفرقه میبایند.

البته باید به خاطر داشت که هنگامی که از دانشگاه صحبت میمان میاوریم با عرض تائید خیل غریزگان و روشنفکران کاذب و خودباختگان نیست بلکه آنچه بعنوان مؤلفه ای میتواند - راستای حرکت انقلاب را تغییر دهد نیروهای پرتوان و اصیلی است که همواره در اوج سلطه جبارانه طاغوت بر علیه کفر و شرک و استعمار جنگیده اند و از سنگر مقدس علم؛ برای عریان ساختن چهره راستین اسلام و زدودن زنگارهای انحراف از آن کوشیده اند و رنج و استضعاف توده محروم را با تمامی وجود خویش احساس کرده اند و اکنون نیز، برخلاف میراث خواران احتمالی انقلاب که هنوز خونها نخنکیده سودایی در سر دارند تا بر سفره نیمه مهیای انقلاب بسننند و از خون و بسوست و گسوست مستضعفین - تناول نمایند - خواستارند تا: قسط اسلامی در همه اندهای جامعه پیاده شود و زمینه های ایجاد جامعه توحیدی فراهم گردد تا دست آوردهای مقدس انقلاب که به بهای خونها و رنجها و محرومیت: سالها بلکه قرنها حاصل گردیده است - همچنان محفوظ بماند تا بتواند به عنوان

روزنه امیدبخشی برای همه های مستعدیده جهان در آید و با توسل به پیش مکتبی و توحیدی اسلام میتوان برسیطره شوم جهانخواران فاتح آمد. و طبیعی است که امپریالیزم زخم خورده بسیوسته مترصد فرصتی تازه است تا بتواند درخت جوان و ثرد انقلاب را همچون مورپانه ای از درون بخشکند و بار دیگر آب رفته را به جوی باز گرداند. یکی از راحتترین و عملی ترین راه حلها ی که امپریالیزم و دیگر دشمنان انقلاب برمی گزینند اینست: که عامل حرکت این چرخ را از کنار بسیندازند و از طریق استمداد از ارتجاع داخلی و ایجاد زمینه رشد آن - کارایی و برتدگی اسلام انقلابی را از بین ببرد تا این بار با ترفندی تازه - در شطرنج مبارزه و رویارویی حق و باطل سربازان حقیقی نهضت را از صحنه براند و تداوم قاطعانه انقلاب را غیر ممکن بسازد.

طرد نیروهای مؤمن در دانشگاه نیز یکمک از تجاع صورت می پذیرد و نه تنها زمینه تفرق را مهیا می نماید بلکه سیمای نجات بخش اسلام را در پس ابری از تیرگی و تاریکی ها و کوه بیستی ها و مصلحت پرستی ها می بینیم و با بجای اصالت دادن به انقلاب - با حفظ شکل های تو خالی - و بسا نگهداشتن لفظ - محتوای مردمی و آزادی بخش اسلام را بکناری می افکند و از آن چهره های متحجر اسی، و ناتوان ترسیم می نماید.

از تجاع نه تنها خواسته یا ناخواسته باز بچه دست دشمن خارجی میگردد بلکه دشمنان داخلی نیز که منافع خود را متزلزل می یابند - می کوشند تا با توسل به ارتجاع با استمرار سلطه و استکبار گذشته خویش را تضمین نمایند - چرا که این بار قدرت رویارویی مستقیم با توده را از کف داده اند - پس بهتر است که سیمای ضد مردمی و ضد انقلابی خود را در پشت ارتجاع مخفی نمایند. اینست که با تام دین، دین می سوزند و قرآن ها را مسزورانه بر سر

نیزه های نیرنگ می بپردازند تا طفل نوبی آزادی را به اسارت کنند و در مسلخ قربانی نمایند و ابوهیره ها را ابودر معرفی کنند و طالقانی ها و هزاران دیگر را برای همیشه به رمیژه بهشت زهرا تبعید نمایند تا سرمست و بی خیال بسا فریادهای مسزورانه در حالیکه در پشت چهره اسلام خود را پنهان ساخته اند منافع مستکبرین را بیمه نمایند. و در این توطئه: بعلت عدم تفکیک و تمایز روحانیت راستین از دیگران و آمیختگی ظاهری آنان ایسن پاسداران شرافت هایبیلیان قربانی عملکرد ارتجاع در لباس مذهبی می شوند و از آنجا که ارتجاع بعلت ساخت ذهنی و پیشش غیر مکتبی خود نمی تواند خواسته های برحق و مشروع توده محروم را تأمین نماید میکوشد تا به انواع لطایف الحیل صداهای حق طلبانه را در گلو بشکند.

و بناچار صفها از هم جدا می شوند - دانشگاه و دانشجو خود را از روحانیت غریب می ساید و روحانی راستین در مبارزه با توده می ماند و در حالیکه ایندو بعلت اشتراک در پیشش ایدئولوژیکی خود میباید بر علیه تلیت شوم تیغ، طلا و تسبیح بجنگند دچار تفرقه می شوند و در این گیرودار امپریالیزم و دشمنان داخلی و خارجی به خواسته مطلوب خود میرسند، و این در واقع سد مهم و جلو گیرنده ایجاد وحدت بین دو قطب روحانی - دانشجو است. پس تا زمان در دست است اگر بخواهیم زمینه این وحدت و یکپارچگی را فراهم آوریم - بررو حانیت راستین فرض است که صفوف خود را از ارتجاع در لباس مذهب جدا کند تا بتوان با انعطام به ریسمان خدا گونه وحدت، همچنان کوشید و ادامه راه انقلاب و تحقق آرمان شهدا و مستضعفین را میسر ساخت.

باید تحق و پیروزی این هدف  
م - ح - ع -  
دانشجوی پزشکی شیراز

هفته نامه محترم: امت

در آستانه تشکیل شوراهای شهر، با اینکه آسرا از محترای اصلیش خالی کرده بودند، حاکمان بر مادر شهرستان نهادند هیئت ۵ نفره ای بنام معتمدین هیئت اجرایی تشکیل دادند و از تعداد ۳۰ نفر کاندیدای معرفی شده، اقدام به حذف ۱۸ نفر آنها نمودند. آنها برای حذف این افراد هیچگونه معیار و ضابطه های ارائه ندادند، این برایشان کافیست که به میل خود آنها را تصفیه کرده اند. تنگ نظری تا حدی اعمال شده بود که حتی اعتراض تعدادی از افراد انتخاب شده بسرای شورا، به استغفایشان انجامید.

در اینجا انتخابات شورا موقتا متوقف شده است تا شاید به بعد موکول شود.

## انتخاب مردم یا انتصاب معتمدین؟

به علی بزرگ میاندیشم و رنجهایش، به عمیق ترین دردهائی که از دست مرتجعین خوار میکشید، و اکنون بسز تنها غلظت و صبر سرخ علی است که در درخواهای مسلمان و مسئول را حیرت میباید و تسکین می بخشد. جوانهایی که پس از گذار فرها سکون و اختنا، بیای ایستاده تا مسئولیت خون دهها هزار شهیدی را که در نبرد با طاغوت بر حسای نهاده بر سر دوش کشیدند بیادارندگان تسبیح صفوی بتکرار بی هیچ دغدغه خاطری از این همه بلا و فقر اقتصادی و فرهنگی که خلق ستمدیده و محروم ما بسا آن دست بگریبان است، در اندیشه بیشتر رونق بخشیدن به انحصارگرهای خود و همچنان در این باور کور سرگردان که اسلام یعنی خودشان و ایسان نیز مدافعش، و در این رهگذر گاه که پای مسئله ای حیاتی چون خیرگان و شوراها میان می آید بسیکاره سر از لاک روز سرگی بیرون آورده و تسامی توانستشان را توانائی می دهند تا از عمل کسانی که احتمال اعتراضی از سوشان میروند جلوگیری کنند و زیر پوشش دفاع از اسلام مانع از فعالیتشان شوند. و در این گیرودارها شورای پیشینهای پدر طالقانی امیدمان بود که پس از اینکه از محتوا خالیش کردند و دلها ایمان از درد برد، باز بحکم مسئولیت و برای اینکه هر چه بیشتر ارگانهای اجتماعی یکی پس از دیگری در اختیار فرصت طلبان قرار نگیرد انجمن اسلامی نهادند افرادی را بعنوان کاندیدای شورای شهر معرفی نمود که اینبار نیز آنان که میراث منحوس رژیمهای گذشته اند و بعلف «معتمد» نام گرفته اند در ترکیبی با نام «معتمدین» کاندیدها را که ۳۰ نفر بسودند قسبل از اینکه مردم بانتخاباتشان اقدام کنند با صافی ذهنشان آوردند و تنها دوازده تن را برگزیدند.

و اینها نیز بسبب بیشرتیشان احساس کردند که انتصابی اند و استغفا دادند. در این میان آن کارگر صادق را دیدم که فریاد برآورد: من به امید دفاع از حق کاندید شترکت در شورا شده ام و اکنون در قدم اول حق را پامال دیدم. و بدینگونه سر نوشت شورای شهرمان جوان گذشته ها اینچنین توسط «معتمدین» بسازی گرفته شد.

انجمن اسلامی نهادند  
تقی ویسی

## «توضیح»

خوانندگان عزیز و محترم امت، نامه های که از شما در ریافت می کنیم، راهنا و منسوق صادر انتشارتسریه می باشد. ولی بعلت تراکم نامه ها هفته تنها به جاب تعداد محدود و معینی از آن موفق می شویم، لازم به یادآوری است که مواضع استخاضده در نامه ها، لزوما مواضع «امت» نبوده، بلکه در مجموع به ای جاب مفید تشخیص داده شده است.

## ترور آیت الله قاضی طباطبائی

خبر ترور آیت الله قاضی طباطبائی، موج خشم توده های انقلابی را در تبریز و دیگر شهرستانها برانگیخت، و در مراسم تسبیح جنازه آن مرحوم، بار دیگر اعمال مرتجعین و حامیان امپریالیسم جهانی را محکوم نمودند. ما ضمن محکوم نمودن این ترور خائنانه، فقدان آیت الله قاضی طباطبائی را به مردم دلیر آذربایجان و به رهبریت انقلاب تسلیت می گوئیم.

# توطئه امپریالیسم و صهیونیسم را در جنوب لبنان محکوم کنیم



# شرکتهای چند ملیتی و...

لازم میشود تا درآمد گروههای دیگر و افسار بانی جامعه محدودتر گردد. در حقیقت در مسیر عملکرد این شرکتها، غنی تر و فقیرتر میشوند و این خود موجب حمایت طبقات مرفه جامعه از این شرکتها میشود. نمونه آن را در دولت نیلی در سال ۱۹۷۲ می توان یافت که همه کارکنان فنی شرکتها یعنی، پس از آنکه «النده» تصمیم گرفت که یکی از شرکت های نفتی خارجی را ملی کند، دست از کار کشیدند و علیه دولت «النده» اعتصاب نمودند. اقدام سیاست های ضد مردمی همین شرکت های چند ملیتی بود که کیمیا، عظیم امریکانی (ای.سی.سی)، تی.سی که بزرگترین تولیدکننده وسایل الکتریکی و الکترونیکی است، با اشاره و انگش و «سیا» و تحریک ارتش نیلی و تقویت گروه های مرتجع، کودتای نظامی را علیه دولت آنده انجام داد تا منافع امپریالیسم آمریکا همچنان در نیلی برقرار و محفوظ بماند.

## نابودی محیط زیست

فاجعه ای که شرکت های چند ملیتی در کشورهای زیر سلطه در نابودی محیط زیست بوجود آورده اند، جبران ناپذیر است. و برای مطامع و سود اقتصادی خود به نابودی محیط زیست پرداخته اند و انواع بیماریها را برای انسانها بوجود آورده اند. برای مثال در کشور «سرو» ده ها تنی در کنار اقیانوس آرام است که برای کشت آبی، محصولاتی مانند سیبیه بسیار مناسب می باشد. بر اثر تبلیغات تجاری چندین شرکت چند ملیتی نیپیمانی و مأموران قزونی آنها، استفاده از حشره کش های نیپیمانی برای مبارزه با آفات پنبه رایج شد. این امر موجب سبید آمدن آفت های گردید که دیگر با هیچ وسیله نیپیمانی از بین نمی رفتند. حال آنکه تا قبل از کار برد سوم نیپیمانی، شهرتین دشمنان آفت های این دره، حشرات شکاری فراوانی بودند که خود عوامل اصلی مبارزه طبیعی بر ضد آفات بودند. این تعادل سودمند طبیعت، در اسر استفاده از سوم نیپیمانی بهم خورد و روش مبارزه با آفات که توسط شرکت های چند ملیتی نیپیمانی از ایالات متحده و اروپا وارد شده بود، موجب اسرات سوء شده، بطوریکه متعاقب آن فاجعه ای در محصول پنبه آن دره بوجود آمد که تولید آن به کمتر از نصف تقلیل یافته است. علت اصلی این فاجعه از بین رفتن دشمنان طبیعی آفتها و نیز مقاومت حشرات در برابر سوم است.

این فاجعه در همین جا تمام نمیشود، بلکه باعث مرگ انسانها هم میگردد و یکی دیگر از آن را در مدفون نمودن «فضولات انسانی» و تشنه شدن رادیواکتیو که هم محیط زیست و هم انسانها را به نابودی می کشاند را می توان نام برد. این شرکتها حتی در سراسر کشاورزی با نیپوه و طریقی که رمیچا را در این کشور با کار می گیرند نوع کنت را نیز از محصولات تجاری تغییر می دهند. بخصوص محصولاتی که برای صادرات به کشورهای غنی مناسب باشند، آنچنان که در آمریکا لاتین برای کنت موز و پنبه و قهوه و تولید گوشت، برای صدور به ایالات متحده آمریکا، بهترین زمین های این مناطق توسط شرکت های چند ملیتی اشغال شده است و با از بین بردن کشاورزی و دامداری سنتی تا آنجا که حتی با انحراف دادن آنها از زمینهای که مواد غذایی برای بازار محلی تولید می کنند، به زمین های که برای طرح های کنت و صنعت تخصیص داده شده است، اسرات مصیبت بار خشکسالی را تشدید می نمایند و منجر به قحطی و گرسنگی بیشتر میشوند. این مسئله در کشور هائیتی به وضوح مشاهده شده.

همانطور که در آغاز گفته شد، آنچه شرکت های چند ملیتی اساس کار خویش قرار داده اند، همان جهانشواری امپریالیستی است که بر اساس سرمایه داری جهانی و سود هر چه بیشتر از هیچگونه چنانی نسبت به کشورهای زیر سلطه و عقب نگه داشته شده دریغ نخواهند کرد. و اثرات عملکرد آنان، نابودی اقتصادی این کشورها و وابستگی کامل آنان و حاکمیت دولت های مرتجع و وابسته و نابودی خلاقیت های انسانی است.

## بنام خداوند مستضعفان

# گزارشی از مراسم بزرگداشت چهلم حضرت آیت الله طالقانی در خرقان قزوین

در تاریخ ۲۷ مهرماه مراسم بزرگداشتی در چشمه علی واقع در ۲۴ کیلومتری آبگرم خرقان قزوین با حضور کشاورزان ۳۰ قریه مختلف از جمله یق، قضا، بید، چادیرف و... تشکیل شد. ضمناً در این مراسم آقای حیدری عضو سابق دفتر آیت الله طالقانی و آقای مرادی عضو دفتر فرهنگی آیت الله طالقانی و آقای شکوهی معلم مدرسه علوی تهران و گزارشگران اعزامی رادیو از تهران حضور داشتند. مراسم بعد از برگزاری نماز و صرف ناهار که نان و خرما بود با تلاوت آیات ۱-۶-سوره قصص توسط دو تن از برادران روستائی آغاز شد. سپس قسمتی از سخنان پدر طالقانی در آخرین خطبه روز جمعه در بهشت زهرا در لزوم تشکیل شوراهای قاطعیت در اجرای آن از طریق نوار پخش شد. روستائیان بعد از پخش نوار با مشتائی گره کرده شعار دادند: امر طالقانی گرک اجرا اولاد، اجرا اولاد، اجرا اولاد - به یزید کدره گرک شورا تشکیل اولاد، تشکیل اولاد، تشکیل اولاد؛ امر طالقانی اجرا باید گردد، هر تبه - در دهانهای ما شورا تشکیل باید گردد، ۳ مرتبه) و چندین شعار دیگر که در آخر گزارشی آمده است.

سپس آقای حیدری در مورد مالکیت و کمیته ها صحبت کردند. در مورد مالکیت ایشان بطور ساده توضیح دادند که مالکیت از آن خداست و تحقق عینی آن در زمین مالکیت روستائیان زحمتکش است و سرانجام به روستائیان تفهیم کردند که مالکیت فئودالها و خوانین منطبق با پایه و اساس است و نباید به هیچ عنوان مالکیت آنها را بر زمین قبول داشت و از اینرو نباید به آنان بهره مالکانه داد. سپس ایشان در مورد کمیته ها در روستاها از جمله روستاهای خرقان قزوین صحبت کردند و فرمودند: متأسفانه کمیته ها به بنیستایی از فئودالها به روستاها می روند و با کتک و شکنجه روستائیان را مجبور به دادن بهره مالکانه برای فئودالها می نمایند و زیر نام اسلام عمل خود را توجیه می کنند و از اینرو نباید زیر بار این وطنه ها رفت و سرانجام ایشان از وزیر کشاورزی درخواست نمودند به مشکلات اساسی روستائیان رسیدگی نموده تا روستائیان ما که سالها در زیر ظلم و ستم خوانین از فقر و رنج سالیان دراز به فغان درآمده اند در جمهوری اسلامی بتوانند از آزادی بهره مند شوند. سپس نمایندگان بعضی روستاها هر یک به بیان ظلم و جور خوانین و دردها و خواسته هایشان پرداختند و خواستار کوتاه شدن دست کثیف و جنایتکار آنها از منطقه شدند. خوانینی که سوسین نسل از باقیمانده های دوره قاجار هستند و تاکنون بر روستاها، که اکنون خرابه ای بیش نیستند با ظلم و ستم و شکنجه حکومت میگرداند. در خانمه این صحبت کشاورزان با مشتائی گره کرده و دلی بر کین و شوری بی حد فریاد بر میآوردند: خوانین، خوانین، دشمن روستائیان - اسلام، اسلام حامی مستضعفان.

سپس یکی دیگر از برادران روحانی مبارز زمان، آقای سوهی، درباره مالکیت صحبت کردند و با بیانی بسیار ساده فرمودند: که ۲۳۳ آیه قرآن و ۲۴ روایتی که در مورد مالکیت وجود دارد این حقیقت کاملاً آشکار است که زمین از آن کشاورزان است، نه فئودالها و خوانین و بهره مالکانه عملی ضد اسلامی و انسانی است. و کار معیار کسب درآمد است نه سرمایه و زور و قلدری. سپس ایشان به تفسیر چندین آیه و حدیث پرداختند تا با دلایل مستند حرفهایشان را اثبات کنند. تا دیگر روحانی نماها را که با تفسیر انجمنی آیات در روستاها می خوانند روابط ارباب و رعیتی را باز گردانند و تحکیم بخشدند و بداند روحانیون اصیل نیز هستند که با فئودالها و روابط ارباب و رعیتی مخالفتند. از این جهت کمیته واقع در منطقه کلنجین که رئیس آن فرید است بنام شیخ سلیمان کاظمی اهل قم و دارای یکی بی - ام - سو، یک بنز جدید و ۴ زن و چندین مستغلات در قم، با در دست داشتن نامه ای از دفتر امام، که در جواب کمیته که بر سیده بود آیه بهره مالکانه بگیریم با خبر، در آن نوشته شده بود طبق شرع عمل کنید، در روستاها می روند و تبلیغ می کنند که طبق شرع یعنی طبق قدیم و از اینرو روستائیان بساید بهره مالکانه ببرند (آقای شکوهی در یکی از احادیث از امام جعفر صادق نقل کردند که حضرت فرموده است، هنگامیکه رحلت پیغمبر (ص) فرا رسیده بود در همان ساعات آخر ایشان به علی (ع) می فرماید: «مبادا بگذاری در زمان تو و در زمان حکومت تو یک نفر بهر عنوان از یک کشاورز بهره مالکانه بگیرد، به هیچ عنوان هیچ کس حق ندارد از کشاورز چیزی در یافت نماید و نباید کسی به بیکاری و کار بی مزد و ادان گردد. سپس ایشان به عربی عین روایات را نقل کردند تا از هر شک و شبهه ای جلوگیری شود و مورد قبول روستائیان افتد.

سپس قطعنامه ۹ ماده ای توسط یکی از برادران روستائی قرائت شد که با ابراز احساسات و تأیید کردن هر یک از ماده های آن، گرد هم آتی با تشکر از شرکت برادران و خواهران به پایان رسید. دیگر شعارهای داده شده در مراسم:

- ۱ - خوانین، خوانین نابود باید گردد.
  - ۲ - وحدت روستائیان باعث پیروزی است - تفرقه زار عین باعث نابودی است.
  - ۳ - کشاورز، کشاورز ارزش دستان تو بوسه پیغمبر است.
- تذکر: البته باید گفته شود که کمیته کلنجین تا چند روز قبل روستائیان را شکنجه و کتک و زندانی میکرد و برای بهره مالکانه به روستاها میرفتند و چندی قبل نیز ۲ نفر از برادران جهاد سازندگی آن منطقه را که فعالیت میکردند به اتهام واهی و ناجای خرابکاری و اغتشاش در منطقه و تبلیغات کمونیستی دستگیر کرده بود. و چند روز قبل از برگزاری مراسم نیز با اینکه روزها قبل گفته شده بود و در سطح روستاها اعلامیه پخش شده بود که مراسم با حضور دو تن از روحانیون و اعضاء دفتر آیت الله طالقانی برگزار میشود، در روستاها تبلیغ کرده بودند که آنها می خواهند تبلیغات کمونیستی کنند و در نتیجه تیراندازی خواهد شد و شما کشته خواهید شد و سرانجام روستائیان را تهدید به کشتن کرده بودند. البته گزارشگران رادیو نیز در این مراسم حضور داشتند و از مراسم گزارشی تهیه کردند و بر تمام حقایق نیز شاهد بودند و حتی در رادیو ساعت ۷ بعد از ظهر پسچشمه در برنامه کشاورز پخش گردید.

## قطعنامه چندین روستای خرقان در بزرگداشت چهلم پدر طالقانی بنام خداوند مستضعفین

اکنون که انقلاب با اولین گام خویش را با پیروزی برداشته است و حضرت آیت الله العظمی امام خمینی انقلاب را با تمام مشکلات فراوان و کم رنگی به پیش می برد و اکنون که ۴۰ روز از در گذشت تنها پسر و یاور امام، حضرت آیت الله طالقانی، میگذرد ما کشاورزان خرقان قزوین با ایمان به انقلاب و راه پدر امام امیدواریم با مطرح کردن مشکلات و خواستهای خویش که مشکلات و خواستهای اکثر روستائیان رنج دیده ایسران است و نشان دادن راه حل آن بتوانیم انقلاب را هر چه سریعتر به پیش ببریم و ایرانی آزاد و آباد و دور از فقر و ظلم و جور بسازیم:

- ۱ - ما کشاورزان روستاهای خرقان قزوین بخصوص، قضا، بید، چادیرف، رزک، قره امام و روستائیان متواری تحت میلاق و... ضمن تأیید جمهوری اسلامی و رهبری صادقانه حضرت آیت الله العظمی امام خمینی خواستار اجرای قوانین عدل و قسط اسلامی هستیم.
- ۲ - ما کشاورزان به پیروی از امام، کشاورزی را بعنوان جهاد ملی توسعه خواهیم داد، تا دست آمریکایی جنایتکار را از کشور خود کوتاه کنیم.
- ۳ - ما کشاورزان، قول میدهم که راه پدر طالقانی را که تشکیل شوراها در سراسر روستاها و حاکمیت مستضعفین بر جامعه بود تا آخرین قطره خون خویش ادامه می دهیم.
- ۴ - ما از وزارت کشاورزی و امام خواستاریم تا دست خوانین ظالم و جنایتکار را که سالهای بسیار طولانی ما را به شدت ترین وجهی زیر ستم کشیده و دسترنج ما را بغارت برده و باعث عقب ماندگی و فقر ما شده هر چه سریعتر کوتاه گرداند.

- ۵ - ما از دولت و شورای انقلاب و مجلس خبرگان می خواهیم هر چه سریعتر قانونی مبنی بر تقسیم اراضی و املاک خوانین بین روستائیان به تصویب رسانند و همچنین این اصل اسلام را که «الزیرع للزارع ولو كان غاصباً» به این معنی که زمین از آن کسی است که روی آن کار میکند اگر چه آن زمین غصبی باشد را قانونی اعلام کند.
- ۶ - ما از دولت و دستنای کل انقلاب می خواهیم که به پرونده خوانین و کشاورزان خرقان قزوین که مدت ۸ ماه است معطل مانده و گزارشات متعددی از دفتر آیت الله طالقانی و باز پرسان دادستانی مبنی بر ظلم و جور خوانین نیز ارائه شده است، هر چه سریعتر و قاطعانه تر رسیدگی کنند.
- ۷ - ما کشاورزان خواستار باز گرداندن تمامی پولها و اموالی که در گذشته بعنوان باج از ما تا دو سال پیش خوانین دریافت میکردند هستیم.
- ۸ - ما از امام تقاضا می کنیم که گروهی مومن و مسلمان و حامی کشاورز و آگاه به مسائل اسلامی را برای تبلیغ قوانین اسلام راستین به این منطقه بفرستند تا فرهنگ و روابط شرافتمندی را بسازند و فرهنگ و روابط اسلامی را جایگزین نمایند.
- ۹ - ما به امام قول داده که برای حفظ انقلاب و پایمال نشدن خون شهدا اختلافات داخلی خویش را که به نفع خوانین جنایتکار است کنار گذاشته و تا آخرین قطره خون خویش برای استقرار جمهوری عدل اسلامی و تحقق رستادن مواره بالا مبارزه کنیم.

## عربستان سعودی و فروش نفت بیشتر

اکنون میست ۲۰ - اکبر  
عربستان سعودی قصد افزایش نفت خود را به مقدار قابل ملاحظه ای دارد. هم اکنون عربستان سعودی ۹۱۵ میلیون بشکه در روز نفت تولید می کند که این رقم یک میلیون بشکه بیشتر از فروش آن می باشد. در این هفته وزیر نفت عربستان سعودی، سیخ زکی یحیی، گفت که این رقم در تولید فقط تا ماه دسامبر طول خواهد کشید و ممکن است مسئولان امور اجازه دهند که این مقدار را تا سال آینده ادامه دهیم. در حقیقت او بطور خصوصی گفت که دست اندر کاران نفت در عربستان در تلاشند تا سطح تولید را به همان مقدار ۹۱۵ میلیون بشکه تا ۳ ماه اول سال ۱۹۸۰ بگه دارند. و مهمتر آنکه آنها تصمیم دارند برای چند ماه تولید خود را به ۱۰۵ میلیون بشکه در روز برسانند.

هدف از این افزایش در تولید نفت، دست کردن یک الگو برای قیمت نفت در اوپک می باشد که هم اکنون وضع استثنای را دارد. هم چنین این عمل برای خاتمه دادن به مداخله یزازی یکطرفه ای که ممکن است باعث بالا رفتن زیاد قیمت نفت شود میباشد. تهدید این بازی از بین نخواهد رفت مگر اینکه بهای کنونی نفت به سطح رسمی آن نزدیک شود. بسیاری از متخصصان نفتی انتظار داشتند که تثبیت قیمتها قبلاً اتفاق افتاده باشد چون واکنش کیمیا های نفتی در برابر افزایش مخازن ذخیره هزینه آنها و همچنین قیمت نگهداری نفت سزاد بر احتیاجات زیاد رضایت بخش به نظر نمی رسد. اما کیمیا های نفتی هنوز سهمیه نفت خود را افزایش می دهند و بدین ترتیب قیمت نفت را هر لحظه افزایش میدهند چون آنها نگران یک کاهش دراز مدت احتمالی در تولید نفت اوپک می باشند.

مانند ایران و کویت و بعضی از کشورهای عضو اوپک که این تصمیم را دارند. آنچه کویت در هفته گذشته انجام داد و ایران و لیبی نیز بطور زیادی قیمت نفت خود را افزایش دادند دلالت بر این امر دارد. در این هفته کشورهای دیگر نیز ممکن است بهای بیشتری برای نفت خود در خواست کنند. لیبی بهای بیشتر خود را ۲۷۷ دلار که تقریباً ۱۲ درصد برای هر بشکه می باشد افزایش داد و قیمت نفت خام خود را به ۲۶ دلار رساند که افزایش آنکار از قیمت رسمی اوپک که در نشست قبلی ژنو ۲۳/۵ دلار تعیین شده بود تجاوز کرد و کشورهای دیگر ممکن است عمل لیبی را تکرار کنند.

بنابراین تا این بازی در اوپک وجود دارد، کیمیا های نفتی هر مقدار نفت که آرزو کنند می توانند به ذخائر خود وارد کنند و این خود باعث سود سرتاسری برای آنها میشود و این دوباره باعث افزایش قیمت نفت میشود. به نظر می رسد که این حلقه افزایش برای همیشه باقی بماند مگر اینکه ما با یک حالت غیر مترقبه و روبرو شویم که آنها قیمت نفت خود را روی یک الگوی متناسب بیاهند. عربستان سعودی برای این عمل پیش قدم نده است، قولیکه عربستان برای تولید ۱۰۵ میلیون بشکه اگر چه برای مدت کوتاهی داده است می تواند باعث فشار روی کشورهای دیگر برای تثبیت قیمتها باشد. روی همین اصل عربستان سعودی می تواند موقعیت خود را در اوپک تحکیم بخشد و از این موضع قدرت برای رسیدن به یک قیمت مشترک بدون گذر از یک افزایش سرسام آور توانائی داشته باشد. اگر بهای نفت شروع به کاهش از قیمت موافقت نده اوپک بکند ترس آن می رود که آنها از قطع تولید خود - خودداری کنند که در اینصورت عربستان سعودی قادر نخواهد بود تأثیر زیادی بر

## بقیه از صفحه ۱

# استعفای برادر مرده

بشتر برده برای تقسیم و دست یابی به مواضع قدرت بین دولت و سایر مراکز قدرت باعث شد که دولت قادر نباشد یک سیاست واحد و جهت دار ارائه بدهد. مضافاً بر اینکه این قبیل ناسامه گکی ها و اعمال نظرات شخصی و گروهی عملاً بی برنامه گی خاصی را بر کل سیستم حاکم کرده و نه تنها مانع پیشرفت کارها و حتی در ابعادی باعث توقف برنامه ها شده، بلکه ادامه همکاری را بر کسانیکه حسن نیت برای فعالیت و همکاری و قبول مسئولیت را داشتند غیرممکن ساخت که در همین رابطه استعفا برادر دکتر سامی خود گویا از آنست که بشود اظهار نظر نمود. فاجعه امیر ایکه دولت و سایر مراکز قدرت بدلیل فقدان یک پیشش اسلامی و حتی مسترق و بسداشتن انقلاب بشنا به سرنگونی شاه و عدم اعتقاد اصولی به انقلاب فرهنگی و اقتصادی و از طرف دیگر بی اعتمادی به نیروهای توفنده خلق و نیروی خدائی آنان که توانست خطرناکترین رژیم مستطفه را سرنگون سازد بزرگترین خطر را برای انقلاب بدنبال دارد. تسلیم شدن بدستگاه اداری رژیم قبلی و بکار گرفتن عناصر ساواکی و سایر عناصر مشکوک و بی اعتقاد گذشته و تکیه شدید به نیروهای بازمانده و سعی در حفظ و بازسازی نظام فسلی جبران ناپذیرترین لطمات را به دستاوردهای انقلاب زده و نه تنها در این مدت شور انقلابی توده ها در حسد قابل ملاحظه ای فروکش کرده بلکه متأسفانه می رود که امید توده های بیباخته را به بیاس و توهمی بدل سازد. در این مدت صرف نظر از یک سری کارهای روبنایی که در مقایسه با اهداف هزاران شهید گلگون کفن و بخون خفته خلق و ملاکهای انقلابی خلق کاری

# پیش بسوی تشکیل شوراها، با محتوای اصیل اسلامی



# امام خمینی: توپنه‌های آمریکا و اسرائیل را بگوش عالمیان برسانید

قسمتی از پیام امام خمینی بمناسبت روز عرفه: ای مسلمانان جهان شما را چه شد که در صدر اسلام با عده بسیار کم قدرتهای عظیم را شکستید و امت بزرگ اسلامی انسانی ایجاد نمودید. اکنون با قریب یک میلیارد جمعیت و دارا بودن مخازن بزرگی که بالاترین حربه است در مقابل دشمن این چنین ضعیف و زبون شدید. آیا میدانید که تمام بدبختیهای شما در تفرقه و اختلاف بین سران کشورهای شما و بالنتیجه بین خود شما است. از جای برخیزید و قرآن کریم را بدست گرفته و بفرمان خدای تعالی گردن نهید، تاجد و عظمت اسلام عزیز را اعاده کنید... ای مسلمانان و ای منتضعان عالم، دست بدست هم دهید و بخدای بزرگ رو آورید و به اسلام بپاخته شوید و علیه مستکبران و متجاوزان به حقوق ملتها پسر خاکی کنید.

... ای زائران خانه خدا، توپنه‌های چپ و راست و خصوصاً آمریکای جبار و متجاوز اسرائیل جنایتکار را بگوش عالمیان برسانید و از آنان استمداد کنید و جنایات این جنایتکاران را بشمارید و بخواهید متعال برای اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی جنایتکاران انجام پیدا کند و من بخواست خدای قادر مژده نصرت و پیروزی بشماها میدهم.

بقیه از صفحه ۵

## کسب و تجارت صحیح

از صالحان شویم - اما چون خدا از فضل خود به آنها داد بدان بخل ورزیدند و به عهد خود نیت کرده، از بختینن مازاد اعراض نمودند.

در جامعه‌ای که مناسبات بین مردم بر این اساس استوار است و به ارزشهای معنوی بدستی بها داده میشود و انگیزه‌های افراد در تلاش و کسب و در رابطه با دیگران، صرفاً مادی و نفع طلبی نیست؛ بلکه محرکهای معنوی جای مهمی در زندگی افراد باز کرده‌اند، دیگر سودجویی مادی هدف نیست، مبادله ارزشهای مادی برای کسب ارزشهای معنوی یکی از هدفهای مهم افراد میشود. هر کس میکوشد بنا بر تلاش بیشتر شخصی، ارزشهای مادی بیشتری کسب کند تا با اتفاق و گذشتن از آنها ارزشهای معنوی زیادتری کسب نماید.

در این جامعه خرید و فروش برای کسب سود رواج نخواهد داشت. نیاز مندیهای مردم قابل خرید و فروش و معامله نخواهد بود. وقتی سیغیر خرید و فروش اب، سوخت، علف و بنا به روایات دیگر هر یک از نیاز مندیهای اساسی و ضروری مردم را نمی‌تواند، با حکم خود چه اصل بنیادی را اعلام میکند؟ این اصل را که، مردم نباید از نیاز مندیهای ضروری زندگی محروم باشند و این ضروریات را نمیتوان فروخت - بلکه باید رایگان و به عنوان یک حق مسلم در اختیار آنان گذاشت.

در سورهٔ ماعون این اصل بخوبی بیان شده است. باز داشتن مردم از احتیاجات آنها به عنوان یک گناه بزرگ تلقی شده است. از امام نقل شده است که فرمود: «زمانی سخت میاید هر چه در دستهای مردم (از اموال و مازاد است) آنها را می‌زارد و میگرد، بختن مازاد فراموش میشود، در حالیکه خداوند گفته است (بختینن زیاد را در بین خود فراموش نکنید) و در همین دوره کسانی خواهند بود که حتی به کسانی که نیاز مند و در اضطراب هستند (جنس را) می‌فروشند، اینان بدترین مردم اند.»<sup>۳</sup>

منظور آنستکه مازاد تولید که باید وسیله‌ای برای رفع نیازهای جامعه باشد و در دستها باقی نماند و بخشیده شود. یعنی بسجای آنکه وسیله رحمت و آسایش مردم باشند، عامل تاراجی و گزندگی زیرا صاحبان آنها بجای بختینن می‌فروشند و نیاز مند در

در بازارهایی که تاکنون داشته و داریم تاجر و بازاری هدفش سودجویی از راه خرید و فروش و بکار انداختن سرمایه است. در بازارهای غیر اسلامی، تاجر روی احتیاجات ضروری مردم معامله میکند. کالایی از این دست خرید، بلافاصله یا با تأخیر اما بدون انجام کار تازه با احتساب سود بفروش میرساند. در حالیکه امام صریحاً نمی‌گوید از اینکه جنسی را به قیمتی خریداری کنی و به مدتی به دیگری بفروسی و برای این مدت قیمت بیشتری تقاضا کنی. امام علی (ع) دستور میدهد که در پایان مدت باید قیمت اولیه جنس را دریافت کنی - یعنی قیمت‌ها در معاملات نقد و تسهیل نباید متفاوت باشد.

در بازارهای غیر اسلامی تاجر در دفتر کار یا آنکه خدمتی انجام دهد، به‌انگه سرمایه خود کسب درآمد میکند در حالیکه در بازار اسلامی تاجر وقتی حق دارد مبلغی برای خود بر قیمت اولیه جنس بیفزاید که شخصاً خدمتی نظیر حمل و نقل، توزین، بسته بندی، و نظایر آن انجام داده باشد. اگر این کارها را انحصار دیگری انجام دهند درآمد به آنها تعلق می‌گیرد نه به کسی که کاری انجام میدهد.

اگر شخص تاجر به عنوان مدیر، خدماتی نظیر ثبت و ضبط حساب و حسابداری و نگارش انجام میدهد، بابت این خدمات باید درآمدی نصیب او شود و این درآمد در ازاه آن خدمات است نه به عنوان سود سرمایه. بابت سرمایه جز اصل آن یک شئز نباید پرداخت شود که بطور قطع نوعی ربا است. ادامه دارد

استغفار دکتر سامی  
نه چندان است. از همان ابتدا انسان و بنیاد مخالفت و ضدیت مردم با رژیم مغرور و دست‌نشانده پهلوی در کینه و نفرت آنان نسبت به امپریالیسم جهانی بسر کردگی آمریکا مشغول میشد. آنان مبارزه با رژیم شاه را هرگز جدا از مبارزه با امپریالیسم ارضیایی نمیکردند و برای همین بود که شعار «بعد از شاه نوبت امریکاست» را سر می‌دادند. و آنان نیز مثل امام معتقد بود که رابطه ما با امریکا رابطه مظلوم با ظالم است.

اما امروزه می‌بینیم نه تنها دولت بلکه روحانیت قشری نیز که توانسته بر اکثر حساسی از قدرت دست بیاید، هر دو سر مردم را با انحراف از مبارزه ضد امپریالیستی و عمده کردن دشمنان خیالی و موهوم به کوجه باغهای سازش با امپریالیسم کسانده و علناً و عملاً در خلاف جهت اهداف انقلاب و رهبری گام برمیدارند. و دولت مدتهاست که بخاطر عدم بینش اصولی و هماهنگ و نیز بخاطر دلالت نبودن یک برنامه مشخص و اصولی و بخاطر ممانعت در برابر

# پیوند خون دانشجو و دانش آموز

سالگرد ۱۳ آبان روز بوش و کنتار و حبسانه مزدوران روسه و ایسته پهلوی به سگر آزادگان، «دانشگاه تهران» است. روزی بود خونین دانشجویان و دانش آموزان و مقاومت حماسه آفرین آنان در پیشبرد رسالت‌های انقلابی. در این روز سال دیگر فرزندان انقلابی با شهادت خود، شیوه‌های محافظه‌کارانه لیبرالیست‌ها و روشنفکرانه‌های سازشکار را افشاء نمودند و حرکت انقلابی نوده‌های مستضعف و خلق مسلمان را با خون خود آبیاری کردند.

سالها دانشگاه تهران شاهد مبارزات پیگیر دانشجویان مبارز و انقلابی بوده. اما در روز ۱۳ آبان ۵۷ رزندگی در این سنگ مبارزه جلوه‌ی خاص یافت. زیرا دانش آموزان مبارز بودند خویش را با خواهران و برادران دانشجو با تار خون پاکشان مستحکمتر نمودند. دانش آموزان مبارزی که در سراسر حرکت انقلابی، همراه دیگر اقشار خلق به نای رهبر انقلاب و خواست انقلابی نوده‌های محروم، پاسخ مثبت دادند و در صفوف مستحکم خلق در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم جهانخوار، راسخ و استوار، رجم مبارزه و انقلاب را برافراشتند، و مکتب «شهادت و پیام» را با خون خویش زنده نگهداشتند.

خوهران و برادران این روز برشکوه، یادآور شور انقلابی و مقاومت کسانی است که برای تحقق شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» تا پای جان ایستادگی نمودند. حماسه مقاومت آنان بزرگترین درس تاریخ معاصر ما است. درسی که در مقابل استبداد به هر شکل و جلوه‌ی و در برابر استعمار با هر گونه حیله‌ی نباید لحظه‌ای از پای نشست و تا محو کامل استعمار انسان از انسان و نمود عینی «فسط» اسلامی مبارزه را همچنان ادامه دهیم. آنان برای سرنگونی رژیم جان خود را تار کردند که حافظ منافع سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا بود، و برای برپائی نظامی شهادت رسیدند که انسان طراز مکتب، انسان خداگونه می‌سازد.

این لحظات برشکوه، را نه تنها با نام آنان، که با یاد آن یادآوران «خون و پیام» و یاد راهشان و اهداف مقدس و انقلابی آنان زنده کنیم. در شرایط حساس و خطیر کنونی که مبارزهای انقلابی آنان با جرحشی از جانب لیبرالیسم سازشکار و ارتجاع نوظهور به فراموشی سپرده می‌شود، و انقلاب ما با خطرات گوناگونی روبرو است. بزرگداشت آن شهیدان را باید در پیگیری راهشان با مقاومتی خستگی ناپذیر، شهادت دهیم.

راهی که در راست مستضعفین و حاکمیت موانین «الله» را می‌طلبد، راهی که تحقق آرمانهای انقلابی را خواهان است، راهی که نفرت خویش را از لیبرالیسم سازشکار اعلام میدارد، راهی که نابودی ارتجاع و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم جهانی را می‌طلبد، راهی که خوهران جایگزینی نهادهایی است در راستای جامعه می‌تواند توحیدی، پیگیری این طریق را بینشی باید مکتبی و برخاسته از اسلام اصیل و انقلابی و گسستن از همه وابستگی‌ها و جزئیات و هر لحظه بیشتر در جهت «الله» بودن، و وجدنی اصولی در تحقق آرمانهای انقلابی را خواهان نند، و شناخت عمیق از دشمنان انقلاب و منافقین و فرصت‌طلبان و هر آنچه که سد راه حرکت انقلابی است، را دانستن.

خون پاک آنان رسالت تحقق پیامی انقلابی را بر دوش ما نهاده است که با «انصاف» و «توکل» به «الله» و بکارگیری رهنده‌های انقلابی مکتب اسلام انجام پذیر می‌باشد.

مستحکم باد پیوند انقلابی دانشجو و دانش آموز نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا

جنبش مسلمانان بارز ۱۲/آبان ۵۸

بقیه از صفحه ۱

## امام خمینی: کشورهای اسلامی باید از

رهانی یابند. مسلمین که در آستان این قرن دره‌های جان‌فروسی خود را یافته و از قدرتهای شیطانی بزرگ جز گرفتاریهای گوناگون و جبار و لگربها و جنایات چیزی ندیده‌اند، باید بهم بیوستگی صمیمانه و توجه بخداوند بزرگ و اسلام عزیز بفکر چاره برآیند. چاره و یا مقدمه اساسی آن است که منتهای مسلمانان و دولتهای اگر ملی هستند کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند و فرهنگ مترقی اسلام را که الهام از وحی الهام می‌باشد، بشناسند و بشناسانند. شرق و آفریقای عزیز این قاره‌ای که بنا به نصیحت اسلامی ملی و قیام خونین مردم دلاور الجزایر از خواب گران بیرون آمد و کشوری بسعد از کشور دیگر خود را از جنگال آمریکا و کشورهای استعمارگر نجات داد، باید روی بنای خودشان بسایستند و شدیداً با فرهنگ صادراتی مبارزه کنند.

کشورهای آفریقا و آسیا و سایر کشورهای در بند در قاره‌های دیگر باید بدانند که آنچه از غرب و شرق توپنه‌گر و استعماری و از آمریکایی متجاوز بر کشورهای ستم کشیده صادر میشود، تباهی و فساد آن قابل مقایسه با صلاح آن نیست. تمام

## اشغال سفارت آمریکا

روز یکشنبه ۱۳ آبان ۵۸، سفارت آمریکا توسط گروهی از دانشجویان مسلمان اشغال شد. حرکت اعتراضی دانشجویان مسلمان در اشغال آنجا حساسی است و معترضین به نفع‌های صدام‌گرای، سانسور و خلق مسلمانان از امپریالیسم جهانخوار آمریکا است. که با حمایت حوس از شاه مخلوع، همچنان علیه انقلاب ایران توطئه می‌تواند. در شرایط حساس کنونی که امپریالیسم سازشکار سعی دارد تا با آمریکا منافات نماید و از طرف دیگر ارتجاع توطئه‌ور میخواهد تا سبدهای سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را سرویخت کند و محفوظ نگهدارد که این مورد را در کتب امپریالیسم را صاف و هموار خواهد نمود. در حین موقعی اشغال سفارت آمریکا، جوانهای خلق انقلابی ایران در لغو کلیه واردادهای ضد مردمی با آمریکا قطع کامل روابط با آن را، بار دیگر عیان می‌دارد. و پیام رهبر انقلاب را که «ما روابط با آمریکا را میخواهیم حذف کنیم» و آمریکا دشمن عمده انقلاب ایران است، و همه مصیبت‌های ما از آمریکا است» و ... آشکارا اعلام میدارد.

مخمس اس حرکت مبارزاتی دانشجویان مسلمان در گرسن موج خشم خلق انقلابی، نسبت به امپریالیسم جهانخوار آمریکا موثر بوده و شور انقلابی خلق را افزایش بخشید. این باید فراموشی کرد که صادره با امپریالیسم، حتی از طریق باودی

بایگ‌های او امکان پذیر است و بر گرسن باگه، و رگ حسی امپریالیسم، همانا سرمایه‌داری وابسته است، که امروزه مرخص به دفاع از آن برخاسته‌اند.

سنگ باودی امپریالیسم بدون باودی سرمایه‌داری وابسته امکان پذیر نیست. باید بی‌گری مبارزات را علیه امپریالیسم آمریکا و باودی صانع او را علاوه بر حرکت‌های سیاسی و رسده نگهداشتن شعارهای اصولی، با حرکتی همه‌جانبه در جهت رستگاری نمودن سرمایه‌داری وابسته تحقق بخشیم، که تنها باودی نظام سرمایه‌داری و حاکمیتی نظام عدل اسلامی است، که آرمانهای صدام‌گرایستی نمود

عسی خواهد آمد. حاره با امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا، خدا را حاسم برآمده داری نیست. داری نسبت، رسوا آنکه که امپریالیسم را به وحش و سکا می‌کشد، جهان محوای سعادت او است، بلکه بی‌کری محوای سعادت، سیاسی - اقتصادی و ساده نمودن آن در خلق با امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا و حاسم برآمده رسد آمد آنکه حرکت اعتراضی دانشجویان مسلمان، هوساری حرحه سسر ما را در مبارزه همه‌جانبه و بی‌کسر علیه باگ‌های امپریالیسم آمریکا، عسی سرمایه‌داران وابسته و حاسم مرتجع آن، سرگرد و باودی کامل امپریالیسم جهانی، بهت انقلابی را همچنان ادامه دهیم.

نابود باد پایگاههای امپریالیسم آمریکا (سرمایه‌داری وابسته، ارتجاع، صهیونیسم)

هفته نامه امت شماره ۳۰ چهارشنبه ۱۶ آبان ۱۳۵۸ سال اول زیر نظر: شورای نویسندگان امت خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو ۸۲۴۹۸۴ - ۸۲۴۸۳۱ چاپ شرکت هسته سهام عام

با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته، امپریالیسم را بزانو در آوریم